



قدم به قدم، همراه دانشجو...

WWW.GhadamYar.Com

جامع ترین و به روزترین پرتال دانشجویی کشور (پرتال دانش)
با ارائه خدمات رایگان، تحصیلی، آموزشی، رفاهی، شغلی و...
برای دانشجویان

- ۱) راهنمای ارتقاء تحصیلی. (کاردانی به کارشناسی، کارشناسی به ارشد و ارشد به دکتری)
- ۲) ارائه سوالات کنکور مقاطع مختلف سالهای گذشته، همراه پاسخ، به صورت رایگان
- ۳) معرفی روش های مقاله و پایان نامه نویسی و ارائه پکیج های آموزشی مربوطه
- ۴) معرفی منابع و کتب مرتبط با کنکورهای تحصیلی (کاردانی تا دکتری)
- ۵) معرفی آموزشگاه ها و مراکز مشاوره تحصیلی معتبر
- ۶) ارائه جزوات و منابع رایگان مرتبط با رشته های تحصیلی
- ۷) راهنمای آزمون های حقوقی به همراه دفترچه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- ۸) راهنمای آزمون های نظام مهندسی به همراه دفترچه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- ۹) آخرین اخبار دانشجویی، در همه مقاطع، از خبرگزاری های پربازدید
- ۱۰) معرفی مراکز ورزشی، تفریحی و فروشگاه های دارای تخفیف دانشجویی
- ۱۱) معرفی همایش ها، کنفرانس ها و نمایشگاه های ویژه دانشجویی
- ۱۲) ارائه اطلاعات مربوط به بورسیه و تحصیل در خارج و معرفی شرکت های معتبر مربوطه
- ۱۳) معرفی مسائل و قوانین مربوط به سربازی، معافیت تحصیلی و امریه
- ۱۴) ارائه خدمات خاص ویژه دانشجویان خارجی
- ۱۵) معرفی انواع بیمه های دانشجویی دارای تخفیف
- ۱۶) صفحه ویژه نقل و انتقالات دانشجویی
- ۱۷) صفحه ویژه ارائه شغل های پاره وقت، اخبار استخدامی
- ۱۸) معرفی خوابگاه های دانشجویی معتبر
- ۱۹) دانلود رایگان نرم افزار و اپلیکیشن های تخصصی و...
- ۲۰) ارائه راهکارهای کارآفرینی، استارت آپ و...
- ۲۱) معرفی مراکز تایپ، ترجمه، پرینت، صحافی و ... به صورت آنلاین
- ۲۲) راهنمای خرید آنلاین ارزی و معرفی شرکت های مطرح
- ۲۳)



WWW.GhadamYar.Ir

WWW.PortaleDanesh.com

WWW.GhadamYar.Org

۰۹۱۲ ۳۰ ۹۰ ۱۰۸

باما همراه باشید...

۰۹۱۲ ۰۹ ۰۳ ۸۰۱

www.GhadamYar.com

زدست دیده و دل مرد فسیل یار و

که مرچه دیده بسند دل کنند

بسا زان خنجر نیس ز فولاد

زخم بر دیده تا دل کرد ازاد

سنا آیین پرست

www.0631law.blogfa.com

www.katuzian.blogfa.com



javad
chaabavi



www.abadanlawyer.blogfa.com



sina aein parast

satrap law

www.abadilaw.blogfa.com



z.chanani



www.joubanb.blogfa.com



KATuzian

ABADAN UNIVERSITY LAWYERS

www.katuzian.blogfa.com



ABADAN

HOGHOGH

FARZAN PAK GOHAR

www.hoghoghabadan.blogfa.com

تهیه کننده: سینا این پرست

دانشجوی حقوق دانشگاه آزاد آبادان

چروات حقوقی را می توانید از وبلاگ های بالا

دریافت نمایید

به نام خداوند جان و خرد...

حقوق بین الملل خصوصی (۱)

(جلسه اول)

حقوق بین الملل خصوصی، مجموعه ای از قواعد الزام آور حقوقی است، که روابط خصوصی اشخاص خصوصی را در زندگی بین المللی تنظیم می کند. از وصف بین المللی بودن این دانش چنین برمی آید که حداقل یک عنصر خارجی در مسئله متنازع فيه وجود دارد. همچنین از وصف خصوصی بودن آن بر می آید که تنظیم کننده روابط خصوصی اشخاص حقوق خصوصی است.

مقایسه حقوق بین الملل خصوصی و عمومی:

۱) اشتراکات:

الف) ارتباط با جامعه بین المللی: وصف بین المللی این دو رشته نخستین و مهمترین جهت اشتراک این دو می باشد. از آنجا که مسائل هر دو رشته در گستره نظام بین المللی مطرح می شوند دارای وصف بین المللی هستند. گرچه بین المللی بودن حقوق بین الملل خصوصی را برخی حقوقدانان - از جمله دوواری سومیر و نی بویه- مورد تردید قرار داده اند (با استدلال غلبه منابع داخلی و نیز در نظر گرفتن تقسیمات حقوق داخلی)، اما باید گفت از آنجا که این دانش از روابط اشخاص در محیط بین المللی سخن می گوید، کاملاً بین المللی است.

ب) اشتراک نسبی در منابع: معاهدات و اسناد بین المللی از منابع عمده قواعد حقوق بین الملل خصوصی است. همچنین از عرف و اصول کلی حقوق در جای مناسب استفاده می شود. باید در نظر داشت که قواعد داخلی مهمترین منبع حقوق بین الملل خصوصی هستند. به همین جهت از قید نسبی برای اشتراک در منابع استفاده می نمایم.

۲) اختلافات:

الف) از حیث وحدت و کثرت حقوقی: حقوق بین الملل عمومی دارای وحدت است یعنی در کل دنیا یک مجموعه قواعد، بنام حقوق بین الملل عمومی بیشتر وجود ندارد حال آنکه به تعداد کشورهای جهان (حاکمیت ها) می توانیم حقوق بین الملل خصوصی داشته باشیم.

ب) از حیث اشخاص موضوع حق: یعنی اشخاص مورد مطالعه پایه عبارتند: دقیق تر دارندگان حق و تکلیف در حقوق بین الملل خصوصی متفاوت از این اشخاص در حقوق بین الملل عمومی هستند. اشخاص حقوق بین الملل خصوصی عبارتند از افراد و سایر موضوعات حقوق خصوصی اما همانگونه که می دانیم تابعان حقوق بین الملل عمومی عبارتند از دولت ها، سازمان های بین المللی، افراد، نهضت های آزادی بخش و....

نکته: افراد در حقوق بین الملل عمومی از این جهت که انسان هستند مورد مطالعه قرار می گیرند (جز در مسائلی مانند حمایت دیپلماتیک) ولی در حقوق بین الملل خصوصی رابطه ای بنام تابعیت در مطالعه افراد حائز اهمیت است. در واقع یک فرد، در حقوق بین الملل عمومی عموماً به عنوان یک انسان عضو جامعه بشری مورد مطالعه قرار می گیرد اما در حقوق بین الملل خصوصی به عنوان تبعه یک کشور خاص.

ج) از حیث ضمانت اجراء: ضمانت اجراء در حقوق بین الملل عمومی ناشی و دارای ویژگی های خاصی است اما در حقوق بین الملل خصوصی همانند حقوق داخلی است و با پشتوانه حاکمیت دولتهاست.

د) از حیث مراجع صالح به رسیدگی: مسائل مربوط به حقوق بین الملل عمومی در محاکم و دادگاه های بین المللی نظیر دیوان بین المللی دادگستری (I.C.J) و یا دیوان کیفری بین المللی (I.C.C) و نظائر اینها و یا در مراجع داوری بین المللی رسیدگی می شود اما مسائل حقوق بین الملل خصوصی در مراجع داخلی هر کشور مورد رسیدگی قرار می گیرد.

مقایسه حقوق بین الملل خصوصی و حقوق داخلی:

موارد افتراق:

- ۱- دخالت عنصر خارجی: ابتدائی ترین مورد اختلاف حقوق داخلی و حقوق بین الملل خصوصی دخالت عنصر خارجی است. این عنصر می تواند تابعیت یکی از اطراف دعوا یا اقامتگاه یکی از آنها یا محل وقوع مال یا محل تنظیم سند و.... باشد.
- ۲- اهداف: هدف قواعد حقوق داخلی حفظ نظم داخلی یک کشور است در حالی که قواعد حقوق بین الملل خصوصی علاوه بر حفظ نظم داخلی مقتضیات بین المللی را نیز در نظر می گیرند.
- ۳- شیوه بیان حکم: قواعد حقوق داخلی از جنس قواعد مادی هستند یعنی حکم مسئله مربوطه را مستقیماً بیان نموده و آن را حل می کند در حالی که جنس قواعد حقوق بین الملل خصوصی از نوع قواعد حل تعارض بوده و این مسئله الزاماً به معنای اعمال قانون داخلی نیست. به عبارت ساده تر حکم قضایای حقوق داخلی را در قواعد داخلی می توان مستقیماً پیدا نمود در حالی که یک مسئله حقوق بین الملل خصوصی الزاماً توسط قوانین داخلی حل یا رسیدگی نمی شود.
- ۴- قابلیت طرح: مسائل حقوق داخلی فقط در دادگاه داخلی قابلیت طرح دارند اما مسائل حقوق بین الملل خصوصی قابل طرح در چند دادگاه خارجی می باشد.

اشتراکات:

- ۱- اشتراک در کافی بودن ضمانت اجرا: چون پشتوانه حاکمیت دولت ها در هر دو رشته به یک اندازه دخالت دارد از حیث ضمانت اجرا هر دو رشته دارای ضمانت اجرای کافی هستند.
- ۲- منابع: قوانین عادی، مهمترین منبع حقوق بین الملل خصوصی می باشند. در واقع قواعد حقوق بین الملل خصوصی هر کشور را می توان با مراجعه به قانون داخلی هر کشور پیدا کرد.

(جلسه دوم)

موضوعاتی که در حقوق بین الملل خصوصی مطالعه می شوند عبارتند از:
۱- تابعیت ۲- اقامتگاه ۳- وضعیت بیگانگان ۴- تعارض دادگاهها (تعارض صلاحیتها) ۵- تعارض قوانین

تابعیت (nationality):

بارزترین مظهر تقسیم بندی جغرافیائی اشخاص، تابعیت می باشد که عبارت است از "رابطه ای سیاسی؛ حقوقی و معنوی؛ که بین يك شخص به عنوان تبعه و یک دولت معین به وجود آمده است و شخص را به آن دولت مرتبط می سازد."
از این تعریف، ویژگیهای رابطه تابعیت و همین طور طرفین رابطه تابعیت به دست می آید.
در مورد ویژگی ها باید گفت؛ تابعیت، نخست رابطه ای سیاسی است. زیرا ناشی از قدرت و حاکمیت دولتی است که شخصی را از خودش می داند.

دوم آنکه: تابعیت رابطه ای حقوقی است چراکه ایجاد کننده حقوق و تکالیف ویژه ای برای تبعه در برابر دولت متبوع خود است.

سوم؛ رابطه ای معنوی است چرا که به مکان مشخصی محدود نمی شود. فرضاً یک ایرانی در همه جا از نظر قانون ایران یک ایرانی است یعنی یک ارتباط معنوی بین او و کشور متبوعش وجود دارد. طرفین رابطه تابعیت:

بنابر تعریف؛ طرفین رابطه تابعیت عبارتند از: تبعه و دولت دهنده تابعیت.

الف- تبعه: تبعه کسی است که دارای تابعیت کشور معینی است. هر فرد حق تمتع برای دارا بودن یک تابعیت را دارد. پس در مورد اشخاص حقیقی رابطه تابعیت یک رابطه اصلی است ولی در مورد اشخاص حقوقی اصطلاح تابعیت به صورت مجازی بکار برده می شود (تابعیت مجازی). به طور کلی می توان گفت ضوابط تعیین تابعیت اشخاص حقوقی می تواند مواردی همچون اقامتگاه، تابعیت مؤسسين، محل ثبت، مرکز اصلی یا مرکز عملیات شرکت باشد (در ایران رگ مواد ۵۹۱ ق.ت و ۱۰۰۲ ق.م)

در مورد هواپیماها و کشتی ها نیز تابعیت فرض می شود (تابعیت فرضی) و با فرض تابعیت، آنها را همواره به دولتی معین وابسته می دانند. معیار این تابعیت معمولاً محل ثبت آنهاست (ماده ۱۱ ق. هواپیمائی کشوری و بند ۱ ماده یک قانون دریائی ایران).

ب- دولت دهنده تابعیت: از دیدگاه حقوق بین الملل عمومی دولت یا کشور از اجتماع دائم و منظم گروهی از افراد بشر که در سرزمین معین و مشخصی به طور دائم سکونت کرده و مطیع یک قدرت سیاسی مستقل هستند، تشکیل شده است. چنین دولتی سه دارای ۳ رکن جمعیت، سرزمین و حاکمیت است. می تواند دهنده تابعیت باشد. هر دولت به طور مستقل در قوانین خود تعیین می کند که چه افرادی اتباع این دولت هستند. نتیجه این قانونگذاری ها در روابط بین المللی ظاهر می گردد. بنابراین، قواعد الزام آور بین المللی که دولت ها را مجبور سازند تا در قانونگذاری های داخلی از رویه یکسان و یا الگوی واحدی در مورد تعیین اتباع خود پیروی نمایند وجود ندارد. از مجموع عبارات فوق یک اصل بین المللی به دست می آید و آن اینکه دولت ها در قانون گذاری برای تعیین اتباع خود از اند به عبارت دیگر تعیین اتباع هر دولت به قانونگذار همان دولت مربوط است. این اصل را در حقوق بین الملل اصل آزادی دولت ها در تعیین اتباع خود می نامند.

اصول بین المللی تابعیت:

در خصوص تابعیت سه اصل بین المللی به عنوان راهنما وجود دارد این سه اصل عبارتند از:

- ۱- نفی بی تابعیتی
- ۲- نفی دو تابعیتی
- ۳- حق تغییر تابعیت.

۱- نفی بی تابعیتی:

مطابق این اصل که نخستین اصل بین المللی تابعیت است هر فرد انسانی باید دارای تابعیت باشد. چرا که تنها پس از تعیین تابعیت فرد است که وضع حقوقی او روشن می شود. گاهی در عمل، این وضع غیر عادی پیش می آید یعنی کسانی یافت می شوند که بی تابعیت هستند و در شمول قواعد تابعیت هیچ کدام از کشورها قرار نمی گیرند. به این گونه افراد، آپاترید (apatride) می گویند. برای مثال اگر از یک پدر و مادر انگلیسی، طفلی در فرانسه متولد شود این طفل نه تبعه فرانسه است چرا که قانون فرانسه سیستم خون را اعمال می کند و نه تبعه انگلستان است چون قانون انگلستان سیستم خاک را اعمال می کند.

۲- نفی دوتابعیتی (نفی تابعیت مضاعف) :

مطابق این اصل هیچ کس نباید بیش از یک تابعیت داشته باشد. از آنجا که تابعیت منشاء حقوق و تکالیف فرد است؛ داشتن تابعیت مضاعف باعث می شود که فرد تکالیف همه دولت‌های متبوع خود را عهده دار گردد. درباره حقوق فرد نیز این مشکل پیش می آید که دولت‌های متبوع وی نمی توانند از او در برابر یکدیگر حمایت دیپلماتیک بنمایند. موارد تابعیت مضاعف را می توان به دو دسته ذیل تقسیم کرد:

الف) تابعیت مضاعف در زمان تولد - ب) تابعیت مضاعف بعد از تولد

الف) تابعیت مضاعف در زمان تولد:

می دانیم که دولت‌های جهان در مورد طرق اعطای تابعیت به یک شیوه عمل نمی کنند. برخی دولت‌ها تابعیت فرد را از روی تابعیت والدین معین می کنند (سیستم خون) و بعضی دیگر از روی محل تولد فرد، تابعیت رامعین می کنند (سیستم خاک). اگر کسی در کشوری متولد شود که سیستم خاک را اعمال می کند در حالی که والدین این طفل تبعه دولت دیگری باشند که تابعیت را بر اساس سیستم خون تعیین می کند این طفل دارای دو تابعیت خواهد بود.

ب) تابعیت مضاعف بعد از تولد:

اگر فردی با حفظ تابعیت سابق خود تابعیت جدیدی به دست آورد، مثلاً اگر یک زن فرانسوی با مردی ایرانی ازدواج کند از یک سو مطابق قانون فرانسه تابعیت خود را حفظ می کند و از سوی دیگر به استناد بند ۴ ماده ۹۷۶ ق.م ایران این زن، ایرانی محسوب می شود.

روش حل تابعیت مضاعف:

وقتی که یک قاضی با مسئله تابعیت مضاعف روبرو می شود باید یکی از تابعیت‌ها را بر دیگری ترجیح دهد. در این جا باید بین دو حالت فرق گذاشت:

الف: اگر یکی از تابعیت‌ها، تابعیت دولت متبوع قاضی باشد؛ در اینجا قاضی باید فرد را تابع دولت متبوع خود (قاضی) بداند و به تابعیت دیگر او ترتیب اثر ندهد.

ب: در حالت دوم هیچکدام از تابعیت‌ها، تابعیت دولت متبوع قاضی نیست. در این حالت از فاکتوری به نام تابعیت عملی یا مؤثر (effective nationality) استفاده می کنیم. یعنی قاضی باید تابعیتی را ترجیح دهد که بر اساس علائق حقیقی و عملی استوار است. برای تشخیص تابعیت مؤثر، قاضی باید قرآن و اوضاع و احوال را در نظر گرفته و ببیند فرد در عمل به کدام دولت تعلق و بستگی بیشتری دارد. از این لحاظ ممکن است مواردی مانند محل سکونت، زبان، تابعیت همسر فرد مورد توجه قرار گیرد.

۳- تغییر پذیری تابعیت (حق تغییر تابعیت) :

مطابق این اصل تابعیت یک کشور خاص، امری تغییرناپذیر نیست و برای همه انسانها حق تغییر تابعیت وجود دارد. اصل پانزدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر به این اصل اشاره نموده است. لازم به یادآوری است منظور از تغییر تابعیت، از دست دادن تابعیت یک دولت و به دست آوردن تابعیت یک دولت دیگر است و نباید هر ترک تابعیتی را تغییر تابعیت دانست زیرا ممکن است ترک کننده تابعیت نتواند به تابعیت دولت دیگر درآید و این ترک تابعیت سبب بی تابعیتی وی گردد. تغییر تابعیت می تواند از اراده صریح تبعه ناشی گردد یا ناشی از عاملی مانند ازدواج، یا بر اثر عوامل قهری مانند جانشینی کشورها باشد.

معیار های تعیین تابعیت:

با اینکه دولت ها در تعیین اتباع خود از اند اما در تعیین تابعیت معمولاً از دو روش یا دو ضابطه شناخته شده استفاده می کنند:

۱- معیار خون ۲- معیار خاک

الف- معیار خون: مطابق این معیار دولت ها کسی را تبعه خود محسوب می کنند که پدر یا مادر او از اتباع دولت مزبور باشد.

ب- معیار خاک: مطابق این معیار هر فردی که در سرزمین تحت حاکمیت یک دولت به دنیا بیاید تابعیت آن دولت را خواهد داشت.

هر دولت می تواند یکی از این دو معیار و یا ترکیبی از این دو را به عنوان معیار تعیین تابعیت خود بپذیرد. کشورهای همچون فرانسه، آلمان و مجارستان از سیستم خون و کشورهای ایالات متحده آمریکا، استرالیا، کانادا و انگلستان از سیستم خاک و کشورهای همچون ایران، عراق و رومانی ترکیبی از هر دو سیستم را پذیرفته اند.

اسلوب یا روش تعیین تابعیت در ایران:

در ایران اصولاً تابعیت را به دو دسته اصلی و اکتسابی تقسیم می کنند.

تابعیت اصلی: تابعیت اصلی برای فردی که محض تولد وجود می آید. یعنی رابطه تابعیت فرد با دولت ایران از زمان تولد فرد برقرار می گردد.

تابعیت اکتسابی: مراد از تابعیت اکتسابی این است که فردی پیش از این تبعه دولتی جز ایران بوده و سپس به تابعیت ایران در آید. دو حالت تحصیل تابعیت و ازدواج زن بیگانه با مرد ایرانی از انواع تابعیت اکتسابی هستند. بین دارندگان تابعیت اصلی و تابعیت اکتسابی ایران برخی تفاوتها در حقوق اجتماعی ایران به چشم می خورد. (رک ماده ۹۸۲ قانون مدنی)

تابعیت اصلی:

اصولاً تابعیت اصلی ایران یا به دلیل تولد از پدر ایرانی و یا ناشی از زاده شدن در خاک ایران است. علاوه بر این دو مورد بند ۱ ماده ۹۷۶ ق.م نیز به تابعیت ایرانی ساکنان ایران در صورت نبودن دلیل مخالف اشاره نموده است. بنابراین موارد تابعیت اصلی ایران در بندهای ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی درج شده اند.

۱- داشتن پدر ایرانی: بند ۲ ماده ۹۷۶ ق.م کسانی را که پدر آنها ایرانی باشد بدون در نظر گرفتن محل تولد تبعه ایران محسوب نموده است. پس در صورت احراز رابطه تابعیت بین پدر فرد و دولت ایران فرزند وی قهراً ایرانی خواهد بود. در این زمینه تفاوتی بین تابعیت اصلی و تابعیت اکتسابی پدر نیست.

در خصوص اصطلاح ایرانی الاصل که اصل یکصد و پانزده قانون اساسی از آن نام برده، همه حقوقدانان، شمول بند ۲ ماده ۹۷۶ ق.م را شرط لازم برای کسب این عنوان می دانند ولی برخی این شرط را کافی ندانسته و معتقدند منظور قانونگذار به گونه ای است که باید گفت افزون بر خود شخص، پدر او هم باید مشمول بند ۲ ماده ۹۷۶ ق.م باشد. به عبارت ساده تر ایرانی الاصل را کسی می دانند که پدر پدر او (پدر بزرگ فرد) نیز ایرانی باشد. چرا که مقنن برای کاندیدای ریاست جمهوری به جای تابعیت اصلی صفت ایرانی الاصل را به کار برده است.

۲- تولد در ایران: بندهای ۳، ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ ق.م.

الف: افرادی که در ایران از پدر و مادر نامعلوم به دنیا آمده اند (بند ۳ ماده ۹۷۶ ق.م.):
بند ۳ ماده ۹۷۶ تصریح نموده است کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیر معلوم باشند تبعه ایران هستند. این بند به طور مطلق و کامل معیار خاک را به کار برده است. گرچه طبیعی است در صورت معلوم شدن هویت پدر و مادر به اقتضای تابعیت آنها در وضعیت تابعیت طفل تغییراتی حاصل خواهد شد.

در خصوص وضعیت فرزندان افراد بی تابعیت حکم خاصی در قانون دیده نمی شود اما می توان گفت از آنجا که قانونگذار ایرانی در تعیین تابعیت افراد برای معیار خاک ارزش قائل شده است و همچنین مطابق اصل نفی بی تابعیتی و جلوگیری از گسترش بی تابعیتی، آنها را می توان تبعه دولت ایران دانست در واقع با پذیرش قسمت اخیر، دایره بند ۳ ماده ۹۷۶ ق.م را به افرادی که در ایران از پدر و مادر بی تابعیت متولد می شوند گسترش داده ایم.

ب: تولد در ایران از پدر و مادر بیگانه که یکی از آن دو نیز در ایران تولد یافته (بند ۴ ماده ۹۷۶):
بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی کسانی را که در ایران از پدر و مادر بیگانه متولد می شوند به شرطی که یکی از والدین در ایران متولد شده باشد را ایرانی محسوب می نماید. بنابراین برای تحقق این وضعیت وجود سه شرط لازم است: ۱- تولد فرد در ایران ۲- بیگانه بودن پدر و مادر فرد ۳- زاده شدن پدر یا مادر در خاک ایران.

باید توجه داشت که این تابعیت از نوع تابعیت اصلی است و با تولد شخص آغاز می گردد. نکته قابل تأمل در مورد این بند مقایسه حالتی است که طفلی از مادر ایرانی در ایران به دنیا بیاید و پدر او خارجی باشد و حالتی که طفلی از پدر و مادر غیر ایرانی در ایران به دنیا بیاید و فقط یکی از والدین صرفاً در ایران متولد شده باشد بدون اینکه تبعه ایران محسوب شوند. کاملاً مشخص است که طفلی که مادر او ایرانی بوده و طفل در ایران متولد شده است، از طفلی که از پدر و مادر غیر ایرانی در ایران متولد شده بستگی و تعلق بیشتری به ایران دارد. حال ببینیم قانونگذار با این مشکل چه برخوردی نموده است. به تاریخ دوم مهر ماه ۱۳۸۵ قانون "تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی" از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت. اصولاً مفهوم تصویب این قانون این است که قانونگذار بند ۴ ماده ۹۷۶ را فقط ناظر به والدین بیگانه قلمداد نموده است. چرا که پیش از تصویب این قانون در بین حقوقدانان این نظر وجود داشت که بند ۴ ماده ۹۷۶ را می توان در مورد فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی قابل اجرا دانست؛ به شرط آنکه مادر ایرانی در ایران به دنیا آمده باشد. نظریه مشورتی اداره کل حقوقی (شماره ۳۸۰۷ مورخ ۱۳۵۳/۶/۶) نیز در این خصوص حاکی از آن بود که در موردی که مادر ایرانی در ایران متولد شده باشد از این جهت که مناط بیان حکم در بند ۴ تولد یکی از ابویں در ایران است، طفل متولد از چنین مادری به شرط تولد در ایران، ایرانی محسوب می شود زیرا قید خارجی بودن ابویں در بند ۴ خصوصیتی ندارد و طفل فقط از جهت تولد یکی از ابویں در ایران تبعه ایران است نه خارجی بودن آنها. بنابراین مادر ایرانی متولد در ایران علاوه بر شمول مناط حکم، تابعیت ایرانی را نیز دارد و بنابر قیاس اولویت و تنقیح مناط حکم بند ۴، طفل متولد از او ایرانی است. اما درباره طفلی که مادر ایرانی او در خارج متولد شده باشد مناط مذکور در بند ۴ صادق نیست و چون وضع طفل با سایر بندهای ماده ۹۷۶ مطابقت نمی کند او تبعه ایران محسوب نمی شود. با تصویب قانون جدید، تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان خارجی به روشنی تعیین شد و اختلاف نظرها در این مورد پایان پذیرفت. مطابق این قانون فرزندان مزبور می توانند به تابعیت ایران درآیند. ملاحظه شروط و قیودی که برای اعطای تابعیت ایرانی در مصوبه جدید پیش بینی شده است آن را شبیه به شرایط اکتساب تابعیت می کند. به عبارت دیگر به نظر می رسد تابعیت ایرانی این

افراد از نوع اکتسابی است. از این روی بحث بیشتر در این خصوص را در بخش تابعیت اکتسابی پی خواهیم گرفت.

(جلسه چهارم)

ج- تولد به شرط اقامت (بند ۵ ماده ۹۷۶):

در بند ۵ ماده ۹۷۶ ق.م. فرض بر این است که طفلی از پدر [و مادر] خارجی که هیچ يك از آن دو در ایران به دنیا نیامده اند، در ایران زاده شده باشد. چنین طفلی باید پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام لااقل يك سال دیگر در ایران اقامت کند تا ایرانی شناخته شود. بنابراین برای استناد به این بند علاوه بر خارجی بودن پدر و مادر احراز دو شرط لازم است:

الف: تولد شخص در ایران

ب: حداقل يك سال اقامت دیگر پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام در ایران.

قانونگذار در این بند در مقام بیان موارد تابعیت اصلی (مبدأ) است و پیش از این گفته شد که تابعیت اصلی بدین معناست که فرد از ابتدای تولد دارای تابعیت ایران است. در حالی که در اینجا تابعیت شخص در مدت ۱۹ سالی که از تولد شخص تا یک سال پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام است، از نظر قانون ایران ابداً مشخص نیست. (گرچه امکان بسیار زیادی وجود دارد که چنین شخصی دارای تابعیت پدر باشد ولی بحث ما راجع به قانون و تابعیت ایرانی است، نه تابعیت خارجی.) به نظر می رسد که قانونگذار او را ایرانی دانسته است اما شرط ایرانی بودن او موکول به ۱۹ سال بعد است. در خصوص این بند توجه به يك مطلب ضروري است و آن موضوع اقامت يك ساله در ایران است. در این بند اصلاً مشخص نیست که تا سن ۱۸ سالگی وضعیت اقامت شخص چگونه است و آیا لازم است تا ۱۸ سالگی نیز شخص مقیم ایران باشد یا خیر؟

از آنجا که شخص پیش از سن ۱۸ سالگی اقامتگاهی مجزا از ولی خود ندارد پس اگر قائل به اقامت شخص در ایران پیش از سن ۱۸ سالگی شویم در واقع لازم دانسته ایم ولی او نیز مقیم ایران باشد. این تکلیف چندان منطقی به نظر نمی رسد. در صورت منفي بودن پاسخ یعنی در صورتی که فرض کنیم منظور قانونگذار فقط اقامت یکساله خود شخص پس از ۱۸ سالگی بوده است، واژه "دیگر" که پس از "يك سال" آمده نشان می دهد که این اقامت يك ساله سابقه ای نیز باید داشته باشد که به آن متصل باشد. نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه در این مورد مقیم بودن شخص در ایران را مد نظر قرار داده و ترك خاک ایران قبل از ۱۸ سالگی، و مراجعت بعدی را محل وصف اقامت و موجب خروج از شمول بند ۵ نمی داند. گرچه برخی اساتید (دکتر سلجوقی) از راه مقایسه این بند و ماده ۹۷۹ ق.م. شرط اقامت ۵ ساله در ایران که چهار سال آن مربوط به پیش از ۱۸ سالگی تمام باشد را استنتاج نموده اند؛ اما به نظر نمی رسد این مقایسه چندان صحیح باشد چرا که ماده ۹۷۹ مربوط به تابعیت اکتسابی است در حالی که بند ۵ ماده ۹۷۶ در مقام بیان تابعیت اصلی است. اینکه گفته شده است "این تابعیت (بند ۵ ماده ۹۷۶) از نوع تابعیت اکتسابی است بدون آنکه آثار تابعیتهای اکتسابی بر آن بار باشد"؛ نیز مشکلی را حل نمی کند، چرا که تفاوت تابعیت اکتسابی و تابعیت اصلی، در عمل، مربوط به آثار هر یک می شود و بدون در نظر گرفتن آثار هر کدام، اصولاً این تقسیم بندی فاقد ارزش است. توجه به عبارت اخیر بند ۵ هم مؤید نظر ماست و نادرست بودن مقایسه بند ۵ ماده ۹۷۶ و ماده ۹۷۹ را روشن تر می سازد.

در مورد بندهای ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ ق.م. تبصره ذیل ماده مذکور بیان می دارد که اطفال متولد از نمایندگان سیاسی و کنسولی خارجی مشمول این بندها نمی شوند این تبصره بیانگر يك قاعده پذیرفته شده حقوق دیپلماتیک است. مطابق این قاعده، قواعد تابعیت کشورهای پذیرنده نسبت به فرزندان مأموران دیپلماتیک و کنسولی اعمال نمیشود. در واقع یکی از مزایای دیپلماتیک و کنسولی معافیت از تحمیل تابعیت کشور پذیرنده است. علاوه بر موارد مذکور در تبصره به

نظر می رسد با وحدت ملاک می توان کارمندان سازمانهای بین المللی مأمور در ایران را نیز در مدت مأموریت مشمول این تبصره دانست.

نکته دیگری که در مورد بند ۵ ماده ۹۷۶ ق.م.ل.ا.م. لازم به ذکر است آنکه مطابق بند ب ماده ۹۷۷ ق.م.ل.ا.م. در صورتی که مضمولین بند ۵ تمایل به حفظ تابعیت پدر خود داشته باشند باید پس از ۱۸ سالگی ظرف یکسال درخواست کتبی به ضمیمه تصدیق دولت متبوع پدر، دائر به اینکه آنها را تبعه خود خواهد شناخت به وزارت امور خارجه تسلیم نمایند. باید توجه نمود که این درخواست به معنی خروج از تابعیت ایران نیست چراکه اساساً این افراد پیش از ۱۹ سالگی تبعه ایران محسوب نمی شوند و همانگونه که در منطوق ماده به درستی ذکر شده است، تقاضا به منظور بقای بر تابعیت پدر است. همچنین لازم دانستن تصدیق دولت متبوع پدر به جهت جلوگیری از ایجاد وضعیت بی تابعیتی (آپاتردی) است.

۳- تابعیت ایرانی ساکنان ایران مگر در صورت وجود دلیل مخالف (بند ۱ ماده ۹۷۶ ق.م.ل.ا.م) :
این بند اصل ایرانی بودن ساکنان ایران را بیان می دارد. در واقع منظور از این بند، این است که کلیه کسانی که در ایران سکونت دائم دارند در صورتی که تابعیت خارجی برای آنان اثبات نشود تبعه ایران محسوب می شوند پس اگر در تابعیت ساکنان ایران تردید رخ دهد تازمانی که تابعیت خارجی این افراد مطابق اسناد و مدارکی که از نظر دولت ایران قابل قبولند اثبات نشود، آنها ایرانی تلقی می شوند. بدیهی است که در چنین حالتی تهیه دلیل بر اثبات تابعیت خارجی به عهده خود تبعه است و نه دولت.

تابعیت اکتسابی در ایران:

همانگونه که ذکر شد منظور از تابعیت اکتسابی این است که فردی تبعه دولتی جز ایران بوده است اما به تابعیت دولت ایران درآید. در قوانین ایران ۲ حالت کلی برای تابعیت اکتسابی وجود دارد:

- ۱- ازدواج زن بیگانه با مرد ایرانی.
 - ۲- درخواست تحصیل تابعیت و موافقت دولت ایران.
- علاوه بر این دو مورد باید توجه نمود که تابعیت ایران در اثر به دست آوردن (تحصیل) تابعیت ایران توسط پدر یا شوهر نیز به دست می آید. که این موارد نتیجه تحصیل تابعیت است. همچنین تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی که در ایران زاده شوند نیز از نوع اکتسابی است. در واقع آنان باید تقاضای تحصیل تابعیت ایرانی نمایند.

۱- کسب تابعیت ایران بر اثر ازدواج (ازدواج زن بیگانه با مرد ایرانی) :

بند ۴ ماده ۹۷۶ ق.م.ل.ا.م. مقرر داشته است که هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند تبعه ایران محسوب می شود. بنابراین اراده زن در این مورد هیچ تأثیری ندارد و اگر مطابق قوانین دولت متبوع زن وی پس از ازدواج باز هم تبعه آن دولت باشد در این صورت زن دارای تابعیت مضاعف خواهد بود. زنی که به دلیل ازدواج با مرد ایرانی، تابعیت ایرانی پیدا می کند تا زمانی که رابطه زوجیت بین آنها برقرار است ایرانی است و در مورد دارا شدن اموال غیرمنقول در ایران برای او محدودیتی وجود ندارد. در صورت طلاق یا فوت شوهر، چنین زنی ایرانی باقی می ماند. اما حق دارد با اطلاع کتبی به وزارت امور خارجه و ارائه گواهی طلاق یا فوت شوهر به تابعیت پیشین خود درآید. البته در صورتی که انحلال ازدواج در اثر فوت شوهر باشد و این زن از وی (شوهر ایرانی) اولاد صغیری داشته باشد؛ مطابق ماده ۹۸۶ ق.م.ل.ا.م. تا زمانی که اولاد صغیر او به سن ۱۸ سال تمام نرسیده باشد نمی تواند به تابعیت سابق خود بازگردد.

زنی که پس از طلاق یا فوت شوهر ایرانی، تقاضای بازگشت به تابعیت پیشین خود می کند حق داشتن اموال غیرمنقول را نخواهد داشت. مگر در حدودی که این حق به اتباع خارجه داده شده باشد. اگر به هر دلیلی دارای چنین اموالی باشد باید ظرف یک سال از تاریخ خروج از تابعیت ایران (یا دارا شدن ملک در مورد ارث) مقدار مازاد را به اتباع ایران منتقل کند؛ و الا اموال مزبور با نظارت دادستان محل به فروش رسیده و بهای آن به او داده می شود. (ماده ۹۸۶ ق.م)

(جلسه پنجم)

۲- تحصیل تابعیت در ایران:

مطابق بند ۷ ماده ۹۷۶ ق.م هر تبعه خارجی که تابعیت ایران را تحصیل کرده تبعه ایران محسوب می شود. تحصیل تابعیت از طرف بیگانه با درخواست وی آغاز شده و با موافقت دولت به پایان می رسد. ماده ۹۷۹ ق.م شرایط تحصیل تابعیت ایران را ضمن ۴ بند برشمرده است. این شرایط عبارتند از:

۱- به سن ۱۸ سال تمام رسیده باشد: رعایت شرط ۱۸ سال تمام الزامی است و هیچ ارتباطی به سن رشد در کشور متبوع فرد ندارد. بنابراین اگر پیش از رسیدن به ۱۸ سال تمام حکم رشد گرفته باشد نمی تواند به تابعیت ایران درآید. علاوه بر این، گرچه به سایر جهات اهلیت در این بند اشاره نشده اما احراز دیگر شرایط اهلیت برای موافقت با درخواست منقضي ضروری به نظر می رسد. مثلا نمی توان کسی که دچار جنون یا سفه است را شایسته تحصیل تابعیت ایران دانست.

۲- پنج سال اعم از متوالی یا متناوب در ایران ساکن بوده باشد: این سکونت پنج ساله باید قانونی و واقعی باشد به گونه ای که بتوان گفت با جامعه ایران در آمیخته است. برابر ماده ۹۸۰ ق.م از این شرط چند گروه به ترتیب زیر معاف شده اند:

الف: مردان بیگانه ای که دارای همسر ایرانی می باشند؛ به شرط داشتن فرزند از او. مطابق نظریه مشورتی حتی اگر تابعیت زوج به همسر ایرانی تحمیل شده باشد چون تابعیت اصلی زن ایرانی بوده معافیت از شرط اقامت بلا اشکال است. همچنین ذکر این نکته که شخص باید از زن ایرانی اولاد هم داشته باشد تا بتواند از شرط اقامت در ایران معاف شود بسیار جالب است. زیرا مانع از تقلب نسبت به قانون و سرگرفتن ازدواج های ناپایدار می شود که در قانون برخی از کشورها به داشتن فرزند اشاره نشده است.

ب: کسانی که دارای مقامات عالی علمی یا متخصص در امور عالم المنععه باشند.

ج: کسانی که به امور عام المنفعه ایران خدمت یا مساعدت شایانی نموده باشند.

همچنین برابر قسمت اخیر ماده ۹۷۹ ق.م کسانی که برای خدمت به دولت ایران در خارج اقامت داشته باشند مدت این اقامت در حکم اقامت آنها در ایران تلقی می گردد. (رک ماده ۹۸۰ ق.م)

۳- فراری از خدمت سربازی نباشند.

۴- جنایت غیر سیاسی یا جنحة مهم مرتکب نشده باشند.

علاوه بر شرایط مندرج در ماده ۹۷۹ ق.م فردی که تقاضای تابعیت ایران می نماید باید شرایط دیگری را نیز داشته باشد. به عنوان مثال داشتن توان مالی کافی یا داشتن شغلی که بتواند هزینه زندگی او را تأمین کند و همچنین گواهی از طرف نیروی انتظامی و وزارت کار دایر بر اینکه تقاضاکننده می تواند خدمات مفیدی به جامعه ایرانی بنماید و همچنین آشنائی به تاریخ، قانون اساسی و زبان فارسی برای این فرد الزامی است. علاوه بر این، گواهی وزارت کشور دایر بر اجرای سوگند وفاداری به قانون اساسی ایران لازم است. علاوه بر مجموع شرایط یاد شده ذکر این نکته ضروری است که هیأت دولت ایران در موافقت یا مخالفت با درخواست تحصیل تابعیت کاملا آزاد است و گرفتن تصمیم نهائی پس از طی همه مراحل بر عهده دولت است. (به موجب تصویبنامه شماره ۴۶۹۷۰ مورخ ۱۳۴۶/۱۰/۱۳، هیأت وزیران به وزارت امور خارجه اختیار داده است که با بررسی شرایط و مدارک با تقاضای تحصیل تابعیت شخص موافقت یا مخالفت کند.

آثار تحصیل تابعیت ایران:

۱) آثار تحصیل تابعیت نسبت به خود شخص:

پس از تحصیل تابعیت ایران، فردی که پیش از این بیگانه تلقی می شد اکنون به عنوان يك ایرانی از حقوقی که دیگر ایرانیان از آنها بهره مند هستند برخوردار می شود. گرچه قانونگذار ایران درباره برخی حقوق اجتماعی یا سیاسی بین دارندگان تابعیت اصلی و اکتسابی تفاوت قائل شده است. ماده ۹۸۲ ق.م.ضمن بیان اصل بهره مندی از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است نیل به مقامات زیر را برای دارندگان تابعیت اکتسابی استثناء نموده است:

- ۱- ریاست جمهوری و معاونین او
- ۲- عضویت در شورای نگهبان و ریاست قوه قضائیه
- ۳- وزارت و کفالت وزارت و استانداری و فرمانداری
- ۴- عضویت در مجلس شورای اسلامی
- ۵- عضویت شوراهای استان و شهرستان و شهر
- ۶- استخدام در وزارت امور خارجه و نیز اجراز هرگونه پست یا مأموریت سیاسی
- ۷- قضاوت
- ۸- عالی ترین رده فرماندهی در ارتش و سپاه و نیروی انتظامی
- ۹- تصدی پست های مهم اطلاعاتی و امنیتی

با دقت در موارد فوق می توان فهمید که دارندگان تابعیت اکتسابی حق ریاست بر سازمان هایی نظیر سازمان تربیت بدنی، سازمان محیط زیست و مانند اینها را ندارند چرا که رییس این سازمان ها در واقع معاون رییس جمهور محسوب می شود. همچنین از بین وزارتخانه ها وزارت امور خارجه وضعیت ویژه ای دارد که استخدام در آن برای اتباعی که تابعیتشان از نوع اکتسابی است ممنوع است.

۲) آثار تحصیل تابعیت ایران نسبت به زوجه و فرزندان صغیر:

از آنجا که قانونگذار از اصل وحدت تابعیت در خانواده ایرانی پیروی نموده است؛ ماده ۹۸۴ ق.م.مقرر داشته: "زن و اولاد صغیر کسانی که بر طبق این قانون تحصیل تابعیت ایران می نمایند تبعه دولت ایران شناخته می شوند." این تابعیت تحمیلی است با این حال به زن اجازه داده شده است که ظرف یکسال از تاریخ صدور سند تابعیت شوهر اظهاریه کتبی به وزارت امور خارجه داده و تابعیت سابق شوهر را قبول کند. در ماده ۹۸۴ ق.م.م. زن فقط می تواند به تابعیت سابق شوهر رجوع نماید و اگر بخواهد به تابعیت اصلی خود که ممکن است غیر از تابعیت سابق شوهرش باشد، بازگردد، قانون در این مورد تکلیفی معین نکرده است. اما وزارت امور خارجه این امر را پذیرفته است. به موجب نظر اداره تابعیت و زرات امور خارجه نکته مهم در مورد ماده ۹۸۴ ق.م.شناسایی حق انتخاب تابعیت است؛ و اینکه زن تابعیت چه کشوری را انتخاب کند نکته ای ثانوی و فرعی است و به نظر دولت ایران اهمیت اساسی ندارد. باید توجه داشت اختلاف تابعیتی که در اثر اعمال این ماده ممکن است پیش آید یکی از مواردی است که ممکن است باعث پیدایش اطفالی با تابعیت مضاعف گردد.

در مورد تابعیت اولاد صغیر:

هرگاه پدری به تابعیت ایران درآید فرزندان زیر ۱۸ سال او نیز به تبع پدر، مشمول تغییر تابعیت شده و به تابعیت جدید پدر در می آیند. این افراد هم می توانند پس از رسیدن به ۱۸ سال تمام ظرف مدت یکسال اظهاریه کتبی به وزارت امور خارجه داده و تابعیت سابق پدر خود را

قبول کنند. اما علاوه بر این اظهاریه، باید تصدیق دولت سابقاً متبوع پدر را دایر بر اینکه او را تبعه خود خواهد شناخت منضم نماید تا در اثر این تغییر تابعیت، وضعیت بی تابعیتی (اپاتریدی) ایجاد نشود.

نکته: در مورد آثار تحصیل تابعیت ایران از سوی مادر در تابعیت دیگر اعضای خانواده هیچ حکمی وجود ندارد. به نظر می رسد حتی اگر قانونگذار ایرانی تحصیل تابعیت ایران را برای زنان بیگانه شوهردار جایز دانسته باشد که با توجه به مجموعه قواعد تابعیت در ایران این امر بعید به نظر می رسد. اصولاً نمی توان تحصیل تابعیت او را در تغییر تابعیت دیگر اعضای خانواده مؤثر دانست.

از دست دادن تابعیت ایران

موارد از دست دادن تابعیت ایران را می توان به دو بخش کلی تقسیم نمود:
۱- از دست دادن اجباری تابعیت (غیر ارادی) ۲- از دست دادن اختیاری تابعیت

۱- از دست دادن اجباری تابعیت (غیر ارادی) :
یعنی اراده فرد هیچ تاثیری در وضعیت تابعیت او ندارد و او ناگزیر تابعیت ایران را از دست خواهد داد.

در ۲ حالت فرد به اجبار تابعیت ایرانی را از دست می دهد.
الف) سلب تابعیت. ب) تحمیل تابعیت شوهر خارجی به زوجه ایرانی.
الف) سلب تابعیت: سلب تابعیت نوعی مجازات است که برخی از دولتها آنرا اعمال می کنند. از آنجا که سلب تابعیت در صورتی که تابعیت اصلی باشد، موجب وضعیت بی تابعیتی می شود اعمال آن مورد انتقاد و مذموم است اما در صورتی که تابعیت اعطایی و اکتسابی باشد با اصل حاکمیت و اقتدار دولتها قابل توجیه است. پیش از این تبصره ماده ۹۸۱ ق.م. سلب تابعیت ایران را از اتباع خارجه ای که به تابعیت ایران پذیرفته می شوند در مواردی جانش می دانست اما این ماده و تبصره آن به موجب قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ حذف گردید. علی رغم حذف این ماده، از سلب تابعیت، در اصل ۴۲ ق. ۱ سخن رفته است. از آنجا که تبیین اجرای قانون اساسی بر عهده قانونگذار عادی است و نیز با توجه به حذف تبصره ماده ۹۸۱ به نظر می رسد سلب تابعیت ایران توسط دولت، خالی از ایراد نباشد.

ب) تحمیل تابعیت شوهر خارجی به زوجه ایرانی:
اکثر قوانینی که زن خارجی را وقتی با یکی از اتباع آن مملکت ازدواج می کند تبعه خود می دانند در مواردی که زنی از اتباع آن کشور با مردی خارجی ازدواج کند حکمی دیگر قائل می شوند. در این مورد قانونگذار ایرانی در ماده ۹۸۷ ق.م. پس از بیان اصل بقای تابعیت ایرانی زن ۲ حالت را پیش بینی کرده است:

الف) هرگاه به موجب قانون کشور متبوع شوهر، تابعیت شوهر در اثر ازدواج به زن تحمیل گردد برای جلوگیری از تابعیت مضاعف، تابعیت ایرانی این زن از او گرفته می شود. و وی به تابعیت کشور شوهر در خواهد آمد.

ب) مطابق تبصره ۱ ماده ۹۸۷ ق.م. هرگاه به موجب قانون کشور متبوع شوهر، زن مخیر باشد از بین تابعیت ایرانی خود و تابعیت شوهر، یکی را انتخاب کند می تواند با تقدیم تقاضانامه کتبی به

وزارت امور خارجه درخواست از دست دادن تابعیت ایران را نماید. در حالت اخیر وجود ۲ شرط برای از دست دادن تابعیت ایران ضروری است: ۱- زن علل موجهی برای تقاضای خود داشته باشد. ۲- وزارت امور خارجه با این درخواست موافقت نماید.

برخی کشورهایی که به موجب قوانین آنها تابعیت زوج بر زوجه تحمیل می شود عبارتند از: ایتوپی، افغانستان، اسپانیا، بلژیک، ویتنام، یونان و فرانسه.

برخی کشورهایی که به موجب قوانین تابعیت آنها زنان خارجی مخیر به حفظ تابعیت اصلی یا تحصیل تابعیت زوج میباشند عبارتند از اردن، اتریش، الجزایر، آلمان، آمریکا، استرالیا، انگلستان، برزیل، پاکستان، ترکیه، تونس، دانمارک، سوئد، ژاپن، کانادا، کویت، امارات متحده عربی، لبنان و ...

بنابراین باید در نظر داشت در ازدواج زن ایرانی با مرد بیگانه تغییر تابعیت ایرانی زن از سونی بستگی به قانون

کشور متبوع شوهر، و از سوی دیگر به اراده وی (زن ایرانی) و در نهایت به موافقت وزارت خارجه باز می گردد.

اثر تغییر تابعیت ایرانی زن بر اثر ازدواج با مرد بیگانه:

باید توجه نمود که پس از تغییر تابعیت زن به تابعیت خارجی در حقوق وی نسبت به اموال غیر منقول در ایران محدودیت ایجاد می شود این محدودیت امروزه تنها در مواردی است که بیم سلطه اقتصادی خارجی وجود داشته باشد. تبصره ۲ ماده ۹۸۷ ق.م مقرر داشته است زنان ایرانی که بر اثر ازدواج تابعیت خارجی تحصیل می کنند حق داشتن اموال غیر منقول را در صورتی که موجب سلطه خارجی گردد ندارند.

آنچه در این مورد باید گفت اینکه این تبصره به تاریخ ۱۳۶۱/۱۰/۸ به شکل مذکور تغییر یافته است و پیش از آن مقرر می نمود زنان ایرانی که بر اثر ازدواج، تابعیت خارجی تحصیل می کنند حق داشتن اموال غیر منقول جز آنچه که در زمان ازدواج دارا بوده اند را ندارند. این حق مسلم به وراثت خارجی آنها منتقل نمی شود. با توجه به اینکه مقررات این تبصره جهت جلوگیری از تخلف نسبت به قانون و تملک غیر مستقیم اتباع بیگانه در ایران است اصلاح آن به نحو مذکور منطقی به نظر می رسد. خصوصاً آنکه ابهام این تبصره در خصوص میزان سلطه خارجی و حدود آن پس از اصلاح مجدد تبصره به تاریخ ۱۳۷۰/۸/۱۴ و اضافه شدن عبارت "تشخیص این امر با کمیسیون متشکل از نمایندگان وزارت خانه های امور خارجه، کشور، و اطلاعات است" تا حد زیادی از بین رفت.

موارد اختیاری از دست دادن تابعیت :

علاوه بر مورد زن ایرانی که با مرد خارجی ازدواج نموده و به اختیار خودش تابعیت ایران را از دست می دهد سایر موارد اختیاری از دست دادن تابعیت عبارتند از: (۱) رد تابعیت (۲) ترك تابعیت.

(۱) رد تابعیت (اعراض از تابعیت):

رد تابعیت به معنی پس زدن تابعیت ایران است و در مواردی اعمال می شود که فرد می تواند به اختیار خود از بین ۲ تابعیت یکی را برگزیند. رد تابعیت در موارد ذیل پیش بینی شده است:
(الف) در مورد زنی که شوهرش تابعیت ایران را تحصیل نموده است. (ماده ۹۸۴ ق.م)

چنین شخصی ایرانی محسوب می شود ولی می تواند ظرف مدت یکسال از تاریخ صدور سند تابعیت شوهر با تقدیم احضاریه کتبی به وزارت امور خارجه به تابعیت سابق شوهر درآید در واقع او با این عمل تابعیت ایران را رد نموده است.

ب) در مورد اولاد صغیر فردی که تابعیت ایران کسب کرده است :
آنها نیز ظرف مدت یکسال از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام، با رعایت شرایط مندرج در ماده ۹۸۴ قانون مدنی می توانند تابعیت ایران را رد نموده و به تابعیت سابق پدرشان بازگردند.

ج) در خصوص مشمولین بند ۴ ماده ۹۷۶ ق.م.ج:
(کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده اند به دنیا بیایند)
مطابق بند الف ماده ۹۷۷ هرگاه این افراد پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام بخواهند تابعیت پیشین پدر خود را قبول کنند، با این عمل در واقع تابعیت ایران را رد نموده اند.

ترک تابعیت :

ترک تابعیت نقطه مقابل تحصیل تابعیت است. یعنی همانگونه که فرد بیگانه در تحصیل تابعیت به اراده خود و با مجوز دولت ایران، تابعیت ایران را کسب می کند، این بار فرد ایرانی به اراده و اختیار خود و پس از موافقت دولت ایران، از تابعیت ایران خارج می شود. قانون ایران با توجه به اصل احترام به آزادی افراد و همچنین این نکته که اصولاً اتباع یک کشور باید نوعی اعتقاد راسخ به پیوند با دولت متبوع خود داشته باشند ترک تابعیت را جایز دانسته است. مطابق اصل ۴۱ ق.ا.یکی از مواردی که دولت می تواند از کسی تابعیت ایرانی او را بگیرد درخواست خود اوست. با این حال برای جلوگیری از سوء استفاده از چنین اجازه ای شرایط نسبتاً مشکلی برای ترک تابعیت قائل شده است.

شرایط ترک تابعیت :

ماده ۹۸۸ قانون مدنی شرایط ترک تابعیت ایران را اعلام داشته است این شرایط عبارتند از:
(۱) فرد به ۲۵ سال تمام رسیده باشد:

در این خصوص باید توجه داشت در اغلب کشورهای دیگر سن رشد را برای تحصیل تابعیت معتبر می دانند ولی قانونگذار ایرانی حتی سن ۱۸ سالگی را که برای تحصیل تابعیت در نظر گرفته بود، در اینجا کافی نمی داند. به نظر می رسد علت این موضوع این است که هم شرایط ترک تابعیت مشکل تر شود و هم ترک تابعیت از روی هوی و هوس انجام نشود و فرد درخواست کننده با پختگی و تجربه بیشتر درباره آن تصمیم بگیرد.

(۲) هیئت وزراء خروج از تابعیت آنان را اجازه دهد:

باید توجه داشت به موجب تصویب نامه شماره ۴۶۹۷۰ مورخ ۱۳/۱۰/۱۳۴۶ هیئت وزیران به وزارت امور خارجه اختیار داده است که با بررسی مدارک و شرایط با تقاضای ترک تابعیت موافقت یا مخالفت نماید.

(۳) تعهد به انتقال اموال غیر منقول :

باید توجه داشت که این شرط فقط بصورت سپردن یک تعهد است و انجام آن موکول به زمانی است که شخص اجازه هیئت وزراء را در مورد ترک تابعیت به دست آورده باشد. عبارت "ولو قوانین ایران اجازه تملک آن را به اتباع خارجه بدهد" گویای این مطلب است که فرد از نظر قوانین ایران

حتی به اندازه بیگانگان نیز شایستگی و لیاقت تملک اموال غیر منقول را ندارد. یعنی کسی که ترک علاقه از وطن خود بنماید حتی از یک بیگانه برای ایران بیگانه تر است.

۴) انجام خدمت وظیفه عمومی (سربازی):

البته معافیت از خدمت وظیف تحت هر عنوانی به منزله انجام خدمت است.

۵) خروج از ایران:

در تبصره الف ماده ۹۸۸ قانون مدنی مقرر شده است: افرادی که قصد ترک تابعیت دارند باید ظرف مدت ۳ ماه از تاریخ صدور سند ترک تابعیت، از ایران خارج شوند. چنانچه ظرف مدت مذکور خارج نشوند و یا به فروش اموالشان مبادرت ننمایند مقامات صالح، امر به اخراج و فروش اموالشان خواهند نمود. البته مطابق رویه جاری مدت در نظر گرفته شده برای انجام این ۲ تعهد (خروج از ایران و فروش اموال غیر منقول) تا مدت یکسال از صدور سند خروج از تابعیت است.

اثر ترک تابعیت نسبت به زوجه و فرزندان:

گرچه قانونگذار ایران اصل وحدت تابعیت خانواده ایرانی را مورد قبول قرار داده است اما در بعضی موارد این اصل جاری نمی شود. این موارد عمدتاً عبارتند از:

۱) مورد مندرج در ماده ۹۸۴ ق.م.د در مورد زوجه و فرزندان کسانی که مبادرت به تحصیل تابعیت ایران نموده اند.

۲) قسمت اخیر بند ۳ ماده ۹۸۸ ق.م.د:

در مورد زوجه و فرزندان کسی که مبادرت به ترک تابعیت ایران نموده است در این خصوص باید گفت که مطابق منطوق بند مذکور "زوجه و اطفال کسی که بر طبق این ماده ترک تابعیت می نمایند- اعم از اینکه اطفال مزبور صغیر یا کبیر باشند- از تابعیت ایران خارج نمی گردند مگر اینکه اجازه هیئت وزراء شامل آنها هم باشد" بنابراین اصولاً ترک تابعیت ایران اثری بر تابعیت زوجه و فرزندان تارک ندارد.

ترک تابعیت زنان بدون شوهر:

قانونگذار ایرانی در تبصره ب ماده ۹۸۸ ق.م.د علاوه بر اینکه به هیئت وزراء اجازه داده است که با ترک تابعیت زن ایرانی بدون شوهر موافقت نماید؛ در خصوص ترک تابعیت فرزندان زیر ۱۸ سال و یا محجور چنین زنی در حالی که فاقد ولی قهری (پدر و یا جد پدری) هستند، هیئت وزراء می تواند به ترک تابعیت این عده نیز اجازه دهد. در یک حکم استثنائی فرزندان این زن که بین ۱۸ تا ۲۵ سال سن دارند نیز می توانند به تبع مادر خود درخواست ترک تابعیت نمایند.

نکته اینجاست که اصولاً شرط درخواست ترک تابعیت دارا بودن ۲۵ سال تمام است؛ اما در این مورد خاص این افراد با توجه به اینکه به سن کبیر رسیده اند باید از طرف خودشان تقاضای ترک تابعیت صورت گیرد اما اجازه ترک تابعیت به تبع ترک تابعیت مادر صادر خواهد شد.

بازگشت به تابعیت:

منظور از بازگشت به تابعیت ایران همانگونه که از این عنوان بر می آید آن است که فردی پس از آنکه تابعیت ایران را از دست داد دوباره می تواند به تابعیت ایران رجوع کند. این مورد اصولاً در ۲ حالت روی می دهد (پیش از توضیح این موارد یادآوری این نکته لازم است که بازگشت به تابعیت زمانی قابل پذیرش است که تابعیت پیشین از نوع تابعیت اصلی بوده باشد)

۱) در مورد فردی که اقدام به ترک تابعیت ایران نموده است:

در این مورد ماده ۹۹۰ ق.م.د شرایط بازگشت به تابعیت ایران را چنین بر شمرده است:

الف) قانونی بودن عمل تبعه در تبدیل تابعیت ایرانی به تابعیت بیگانه

ب) درخواست وی از دولت

ج) مخالف مصلحت ندانستن بازگشت وی به تابعیت ایران از طرف دولت .
د) طبیعی است که تابعیت باید از نوع اصلی باید باشد و در این خصوص ماده ۹۹۰ قانون مدنی تصریح دارد

۲) بازگشت زن ایرانی پس از طلاق یا فوت شوهر بیگانه:
در این خصوص ماده ۹۸۷ قانون مدنی ۲ شرط را پیش بینی نموده است:
الف) ازدواج به عنوان عامل تغییر تابعیت از میان رفته باشد اعم از اینکه علت از بین رفتن ازدواج، جدائی و یا فوت شوهر بیگانه باشد.
ب) درخواست زن از دولت ایران، به انضمام ورقه تصدیق فوت و یا سند تفریق .
نکته آخر اینکه اگر تابعیت پیشین زن (تابعیت ایرانی) از نوع اکتسابی باشد و او بخواهد پس از طلاق یا جدائی از شوهر خود دوباره به تابعیت ایران بازگردد باید مطابق ماده ۹۷۹ قانون مدنی مبادرت به تحصیل تابعیت نماید.

قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی
جناب آقای دکتر محمود احمدی نژاد رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران در اجرای اصل یکصد و
بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل
از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی که با عنوان طرح یک فوریتی اصلاح بندهای (۴)، (۵) و
(۶) ماده (۹۷۶) قانون مدنی و الحاق یک تبصره به آن به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود، با
تصویب در جلسه علنی مورخ ۱۳۸۵/۷/۲ و تأیید شورای محترم نگهبان به پیوست ارسال می‌گردد.

غلامعلی حداد عادل رئیس مجلس شورای اسلامی

قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی

ماده واحده- فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی که در ایران متولد شده یا
حداکثر تا یکسال پس از تصویب این قانون در ایران متولد می‌شوند می‌توانند بعد از رسیدن به سن
هجده سال تمام تقاضای تابعیت ایرانی نمایند. این افراد در صورت نداشتن سوء پیشینه کیفری یا
امنیتی و اعلام رد تابعیت غیر ایرانی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند.

وزارت کشور نسبت به احراز ولادت طفل در ایران و صدور پروانه ازدواج موضوع ماده (۱۰۶۰)
قانون مدنی اقدام می‌نماید و نیروی انتظامی نیز با اعلام وزارت کشور پروانه اقامت برای پدر
خارجی مذکور در این ماده صادر می‌کند. فرزندان موضوع این ماده قبل از تحصیل تابعیت نیز
مجاز به اقامت در ایران می‌باشند.

تبصره ۱- چنانچه سن مضمولین این ماده در زمان تصویب بیش از هجده سال تمام باشد باید حداکثر
ظرف یکسال اقدام به تقاضای تابعیت ایرانی نمایند.

تبصره ۲- از تاریخ تصویب این قانون کسانی که در اثر ازدواج زن ایرانی و مرد خارجی در ایران
متولد شوند و ازدواج والدین آنان از ابتدا با رعایت ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی به ثبت رسیده باشد،
پس از رسیدن به سن هجده سال تمام و حداکثر ظرف مدت یکسال، بدون رعایت شرط سکونت
مندرج در ماده (۹۷۹) قانون مدنی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و دو تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه دوم مهرماه یکهزار و
سیصد و هشتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۵/۷/۱۲ به تأیید شورای
محترم نگهبان رسید.

غلامعلی حداد عادل رئیس مجلس شورای اسلامی

**نقدی بر قانون ماده واحده تعیین تکلیف تابعیت فرزندان
حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی (مصوب ۸۵/۷/۲)**
سلیمان فدوی^۱



طرح مسئله:

تا قبل از وضع قانون ماده واحده فوق الذکر، وضعیت تابعیت فرزندان حاصل از نکاح زنان ایرانی با مردان خارجی به لحاظ عدم رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی ایران از جانب زنان ایرانی، در حالی که از ابهام به سر می برد، زیرا با توجه به پذیرش مطلق سیستم خون (تابعیت نسبی) از طریق پدر ایرانی، به موجب بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران، تنها فرزندان حاصل از پدران ایرانی (در هر نقطه‌ای که به دنیا آیند) تبعه ایران بوده و قانونگذار از اعطای تابعیت مبداء (تولدی) براساس سیستم خون (تابعیت نسبی) آن هم از طریق مادر بحثی به میان نیاورده بود.

به همین جهت عده ای از حقوقدانان ایرانی، با استنباط از مفهوم مستتر در بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران، طفل متولد در ایران حاصل از نکاح مادر ایرانی با پدر خارجی را با رعایت بند یاد شده، مشمول تابعیت تولدی ایران (براساس پذیرش استثناعنی سیستم خاک یا سیستم ارضی) می دانستند.

حتی کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی در همین رابطه، با ارایه نظریه

۱. سردفتر سابق دفتر استاد رسمی، وکیل پایه یک دادگستری و عضو هیات علمی دانشکده حقوق.

مورخ ۱۳۸۳/۴/۱۴ خود، ضمن عنایت به قیاس اولویت، این گونه عنوان داشت که: «مستتب از مفاد بند (۴) ماده ۹۷۶ قانون مدنی به طریق اولی طفل متولد از پدر خارجی و مادر ایرانی در ایران، ایرانی محسوب می‌گردد.»^۲

اختلاف در برداشت‌های حقوقی و وضعیت آن دسته از زنان ایرانی که با اتباع کشورهای افغانستان و عراق ازدواج نموده و از آنها صاحب اولادی شده بودند، باعث گردید تا طرح یک فوریتی اصلاح بندهای ۴ و ۶ ماده ۹۷۶ قانون مدنی و الحاق یک تبصره به آن، از سوی ۱۸ تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی^۳ مطرح و یک فوریت طرح مذکور در مورخه ۱۳۸۵/۳/۱۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.^۴

با عنایت به این که کمیسیون قضایی حقوقی مجلس شورای اسلامی از نظر کارشناسی یکی از اساتید برجسته حقوق بین‌الملل خصوصی ایران بهره جسته بود^۵ و شاید در صورتی که طرح مذکور کلاً به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسید، ضرورتی به نگارش نقد حاضر احساس نمی‌شد؛ لیکن متأسفانه در صحن علنی مجلس، طرح مزبور دچار تغییرات فراوانی گردید به نحوی که بندهای ۴، ۵ و ۶ ماده ۹۷۶ قانون مدنی حفظ و صرفاً تبصره ذیل طرح با اندک تغییراتی در مورخه ۱۳۸۵/۷/۲ به تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی رسید و نهایتاً مصوبه مجلس در تاریخ ۱۳۸۵/۷/۱۲ مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت^۶ که از این رهگذر به نظر می‌رسد مشکلات فراوانی حادث گردیده باشد که اینک به شرح آتی، به ذکر آن می‌پردازیم.

الف) وضعیت قبل از وضع قانون ماده واحده

(وضعیت فرزندان حاصل از پدر خارجی در ایران)

همان گونه که می‌دانیم، پذیرش سیستم خاک (تابعیت ارضی) در بحث تابعیت تولدی، توسط قانونگذار ایران در بندهای ۳ و ۴ ماده ۹۷۶ قانون ایران، به طور استثنائی پیش‌بینی شده که فقط بندهای ۴ و ۵ ماده مذکور ناظر بر موضوع مورد بحث می‌باشد. با عنایت به این که مطابق بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، برای تحقق تابعیت تولدی ایران

برای طفل حاصل از والدین خارجی، علاوه بر تولد طفل در ایران، دو شرط توأم دیگر (وجود والدین خارجی و تولد یکی از والدین در ایران) ضروری است، بنابراین اگر بخواهیم وضعیت فرزندان حاصل از پدر خارجی را دقیقاً مورد بحث قرار دهیم باید با توجه به تابعیت همسر وی و همچنین با عنایت به محل تولد طفل مشترک موضوع را بررسی نماییم. بنابراین تابعیت زوجه در این حالات از دو فرض زیر خارج نخواهد بود:

۱- زن از دید قانون ایران، خارجی باشد:

هر این صورت، هرگاه طفلی از نامبردگان (پدر و مادر خارجی) در ایران به دنیا آید، دو شرط از ۳ شرط بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران تحقق یافته به همین جهت کافی است، اثبات شود که یکی از والدین خارجی در ایران متولد شده‌اند. (ارائه گواهی ولادت پدر یا مادر خارجی در ایران کفایت می‌نماید) در این صورت طبق بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران و به عقیده کلیه حقوقدانان ایرانی (بدون وجود هر گونه استثنائی) طفل مذکور تابعیت تولدی ایران را داشته و از لحظه تولد قطعاً تابعه ایران محسوب خواهد شد و در صورت فقدان هر یک از شرایط سه گانه فوق، قبول تابعیت قطعی تولدی برای مولود (با توجه به استثنائی بودن پذیرش سیستم خاک توسط قانونگذار ایران یقیناً محل تردید خواهد بود.

چون یکی از شروط اصلی اعطای تابعیت قطعی تولدی ایران، وجود تابعیت خارجی والدین طفل است، بنابراین هر گاه یکی از والدین طفل، تابعیت خارجی نداشته باشند اعمال بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی بر طفل حاصل از نامبردگان در ایران متعذر خواهد بود (همین موضوع باعث خدشه فراوان از جانب حقوقدانان ایرانی بر بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی گردیده است).

نمودار زیر، ما را با صورت‌های احتمالی تولد فرزند حاصل از پدر و مادر خارجی آشنا می‌سازد:

ردیف	تابعیت پدر طفل	تابعیت مادر طفل	محل تولد پدر طفل	محل تولد مادر طفل	محل تولد طفل	مشمول ماده قانونی	وضعیت تابعیت طفل
۱	خارجی	خارجی	خارج	خارج	خارج	---	محل ایرانی نخواهد بود
۲	خارجی	خارجی	ایران	خارج	خارج	---	محل ایرانی نخواهد بود
۳	خارجی	خارجی	خارج	ایران	خارج	---	محل ایرانی نخواهد بود
۴	خارجی	خارجی	ایران	ایران	خارج	---	محل ایرانی نخواهد بود
۵	خارجی	خارجی	خارج	خارج	ایران	مشمول بند ۵ ماده ۹۷۶	تابعیت متنازل تولدی تا سن ۱۸ - ۱۹ سالگی
۶	خارجی	خارجی	ایران	خارج	ایران	مشمول بند ۴ ماده ۹۷۶	تابعیت تولدی ایران
۷	خارجی	خارجی	خارج	ایران	ایران	مشمول بند ۴ ماده ۹۷۶	تابعیت تولدی ایران
۸	خارجی	خارجی	ایران	ایران	ایران	مشمول بند ۴ ماده ۹۷۶	تابعیت تولدی ایران

بیشتر حقوقدانان ایرانی بر این نکته با اقبال بیشتری می‌توانند که چطور قانونگذار ایرانی برای مادر خارجی که طفلی در ایران به دنیا آورده (در صورتی که پدر طفل، خارجی باشد) به صرف تولد یکی از والدین در ایران، قائل به اعطای تابعیت تولدی برای طفل است، حال آن که برای طفل حاصل از مادر ایرانی که علقه و رابطه بسیار بیشتری غیر از تولد در ایران دارد، اعتقادی به اعمال بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ندارد^۲ و شاید صرفاً از این رهگذر و با توجه به همین تحلیل، اداره حقوقی دادگستری در نظریه خود قائل به تسری مفاد بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی به فرزندان حاصل از نکاح زنان ایرانی با مردان خارجی گردیده است^۳ و شاید بنا به همین دلیل، مفسران بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی (کمیسیون حقوقی قضائی مجلس شورای اسلامی) قائل به قیاس اولویت برای فرزند حاصل از نکاح زن ایرانی با مرد خارجی گردیده‌اند^۴ باید توجه داشت که تمامی استدلال‌های یاد شده، گرچه با واقعیات اجتماعی منطبق است، لیکن از لحاظ حقوقی محض فاقد توجیه منطقی است. زیرا بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، به عنوان پذیرش سیستم خاک (تابعیت ارضی، در قبال سیستم خون (تابعیت نسبی) در مقام بیان استثناء ذکر گردیده است.

به عبارت دیگر مطابق قواعد و مقررات تابعیت ایران، کلیه حقوقدانان ایرانی پذیرش و اعمال سیستم خون (تابعیت نسبی) در اعطای تابعیت تولدی را اصل و قبول سیستم خاک

را حالت استثناء می‌دانند. چون در تفسیر امور استثنائی، می‌بایست به قدر متیقن استثناء اکتفا نمود لذا در این مقام (به عنوان استثناء) مقدار یقین آور، خارجی بودن هر دو والدین طفل است و نمی‌توان با این بینش، مفهوم آن را به مادر ایرانی نیز تسری داد، زیرا باید توجه داشت که قیاس اولویت از ابزارهای تفسیر موسع می‌باشد، حال آن که در این مقام (تفسیر حالت استثناء) می‌بایست نوع تفسیر مضیق باشد به همین دلیل نمی‌توان از قیاس اولویت استفاده نمود.

۲- زن فرد مذکور، ایرانی است.

نظر به این که از لحاظ قواعد تابعیت ایران، ازدواج زن ایرانی صرفاً با رعایت ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی ایران "جد آثار حقوقی است" به عبارت دیگر مطابق عقیده تمامی حقوقدانان ایرانی عدم رعایت ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی ایران موجب بطلان نکاح خواهد بود، حال آن که وفق عقیده عده ای از حقوقدانان ایرانی، ضمانت اجرای ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی نیز عدم نفوذ نکاح می‌باشد "

توجه به این که وضعیت بقا یا عدم بقای تابعیت ایرانی زن در اثر ازدواج با مرد خارجی، بستگی تام به تحمیل یا عدم تحمیل تابعیت شوهر خارجی در اثر ازدواج دارد (اثر استقلال نسبی تابعیت زوجین)

بنابراین با فرض رعایت مادتين ۱۰۵۹ و ۱۰۶۰ قانون مدنی و لحاظ ماده ۹۸۷ قانون مدنی ایران "وضعیت تابعیت طفل حاصل از نکاح مادر ایرانی با مرد خارجی را در دو فرض زیر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۲) تابعیت زوج بر زوجه تحمیل نشود:

در این صورت به حکم صدر ماده ۹۸۷ قانون مدنی ایران، ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی هیچگونه تغییری در تابعیت زن ایرانی ایجاد نمی‌نماید و تابعیت ایرانی زن، همچنان باقی خواهد ماند و زوجین دارای استقلال مطلق در تابعیت خود خواهند بود.

بنابراین اگر نامبردگان طفلی را در ایران به دنیا آورند، حتی اگر یکی از نامبردگان در ایران به دنیا آمده باشد، طفل مذکور با توجه به آموخته‌های قبلی و به ویژه با عنایت به تفسیر مضیق از بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی (به لحاظ استثنائی بودن آن)، مشمول بند ۴ ماده ۹۷۶ نخواهد شد، لیکن باید توجه نمود که طفل یاد شده می‌تواند بالقوه مشمول بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی قرار گیرد.^{۱۳}

۲-۲) تابعیت زوج بر زوجه تحمیل شود:

در این حالت از مفهوم مخالف قسمت بعدی ماده ۸۸۷ قانون مدنی ایران متوجه می‌گردیم که به محض تحمیل تابعیت زوج خارجی در اثر ازدواج بر زوجه ایرانی، تابعیت ایرانی زن موقتاً از وی سلب می‌گردد.^{۱۴} بنابراین لحظاتی پس از نکاح، زوجه ایرانی با توجه به تحمیل تابعیت شوهرش در اثر نکاح، دارای تابعیت شوهر خارجی اش شده، در صورتی که بعدها طفلی از آنان در ایران به دنیا آید، (با امعان نظر به این که تولد طفل بعد از نکاح قانونی است، بنابراین طفل در فضای یک خانواده خارجی به دنیا آمده است).

لذا کافی است یکی از والدین (پدر خارجی یا مادر ایرانی که در اثر ازدواج خارجی یاد شده) در ایران به دنیا باشند تا مولود حاصل از این نکاح، با دارا بودن جمیع شرایط مندرج در بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، از تابعیت قطعی تولدی ایران بهره مند گردد.

نمودار صفحه آتی بیان کننده وضعیت صورت‌های مختلف و کلی تابعیت طفل حاصل

از پدر خارجی و مادر ایرانی خواهد بود:

ردیف	تابعیت پدر طفل	تابعیت مادر طفل			محل تولد پدر	محل تولد مادر	محل تولد طفل	مشمول قانون	وضعیت تابعیت طفل
		تحویل تابعیت در اثر ازدواج	عدم تحویل تابعیت	تحویل تابعیت					
۱	خارجی	ایرانی	تحویل تابعیت در اثر ازدواج	خارج	خارج	خارج	_____	طفل ایرانی نمی‌باشد	
		ایرانی	عدم تحویل تابعیت	خارج	خارج	خارج	_____	طفل ایرانی نمی‌باشد	
۲	خارجی	ایرانی	تحویل تابعیت	ایران	خارج	خارج	_____	طفل ایرانی نمی‌باشد	
		ایرانی	عدم تحویل تابعیت	ایران	خارج	خارج	_____	طفل ایرانی نمی‌باشد	
۳	خارجی	ایرانی	تحویل تابعیت	خارج	ایران	خارج	_____	طفل ایرانی نمی‌باشد	
		ایرانی	عدم تحویل تابعیت	خارج	ایران	خارج	_____	طفل ایرانی نمی‌باشد	
۴	خارجی	ایرانی	تحویل تابعیت	ایران	ایران	خارج	_____	طفل ایرانی نمی‌باشد	
		ایرانی	عدم تحویل تابعیت	ایران	ایران	خارج	_____	طفل ایرانی نمی‌باشد	
۵	خارجی	ایرانی	تحویل تابعیت	خارج	ایران	ایران	مشمول بند ۵ ماده ۹۷۶	تابعیت متزاول تولدی تا سن ۱۸ - ۱۹ سالگی	
		ایرانی	عدم تحویل تابعیت	خارج	ایران	ایران	مشمول بند ۵ ماده ۹۷۶	تابعیت متزاول تولدی تا سن ۱۸ - ۱۹ سالگی	
۶	خارجی	ایرانی	تحویل تابعیت	ایران	خارج	ایران	مشمول بند ۴ ماده ۹۷۶	تابعیت تولدی ایران	
		ایرانی	عدم تحویل تابعیت	ایران	خارج	ایران	مشمول بند ۵ ماده ۹۷۶	تابعیت متزاول تولدی تا سن ۱۸ - ۱۹ سالگی	
۷	خارجی	ایرانی	تحویل تابعیت	خارج	ایران	ایران	مشمول بند ۴ ماده ۹۷۶	تابعیت تولدی ایران	
		ایرانی	عدم تحویل تابعیت	خارج	ایران	ایران	مشمول بند ۵ ماده ۹۷۶	تابعیت متزاول تولدی تا سن ۱۸ - ۱۹ سالگی	
۸	خارجی	ایرانی	تحویل تابعیت	ایران	ایران	ایران	مشمول بند ۴ ماده ۹۷۶	تابعیت تولدی ایران	
		ایرانی	عدم تحویل تابعیت	ایران	ایران	ایران	مشمول بند ۵ ماده ۹۷۶	تابعیت متزاول تولدی تا سن ۱۸ - ۱۹ سالگی	

دقت در مصادیق ردیف‌های ۵ تا ۸ نمودار اخیر ما را به این حقیقت رهنمون می‌سازد که فرزند متولد در ایران حاصل از نکاح زن ایرانی با مرد خارجی، هیچ‌گاه دچار مشکل جدی بی‌تابیتی نخواهد شد (زیرا طفل وی مشمول بند ۴ ماده ۹۷۶ و در غیر این صورت مشمول بند ۵ ماده ۹۷۶ خواهد بود) و فقط اطفال نامبردگان در صورتی که در خارج از ایران به دنیا آیند ایرانی نخواهند بود.

چون مطابق قوانین تابعیت ایران، تابعیت ایرانی از طریق نسب مادر، به طفل وی اعطا نمی‌گردد، لذا فرزند وی، بر خلاف فرزند پدر ایرانی، فاقد تابعیت ایران خواهد بود. مطلوب حقوقدانان ایرانی و شاید ارائه دهندگان طرح مذکور این بوده است که تابعیت، از طریق زن

ایرانی نیز به وسیله سیستم خون (تابعیت نسبی) به اطفال آنان انتقال یابد،^{۱۵} لیکن نگارش طرح لولیه ماده واحده و همچنین متن قانون ماده واحده تصویبی، حکایت از این امر ندارد. (ب) وضعیت فرزندان حاصل از نکاح پدر خارجی و مادر ایرانی بعد از وضع قانون ماده واحده:

همان گونه که در بالا نیز به آن اشاره شد، با تفسیر مضیق از بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران (با رعایت مادتين ۱۰۵۹ و ۱۰۶۰ قانون مدنی از یک طرف و ماده ۹۸۷ قانون مرقوم از طرف دیگر) طفل متولد از مادر ایرانی در ایران (در صورت نکاح با مرد خارجی و قبل از وضع قانون ماده واحده یاد شده) یا مشمول بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی (تابعیت قطعی تولدی ایران) بوده یا این که در هر صورت مشمول بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مرقوم می‌گردید. تفاوت این دو بند از ماده ۹۷۶ قانون مدنی، در ماهیت آن نهفته است. طفل مشمول بند ۴، از ابتدای تولد تابعیت تولدی ایران را دارا می‌باشد (تابعیت قطعی تولدی ایران)، حال آن که در اعمال تابعیت تولدی ایران، برای طفل مشمول بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران، بین حقوقدانان وحدت نظر وجود ندارد.^{۱۶}

با توجه به مطالب صدرالاشعار می‌خواهیم ببینیم که با وضع قانون ماده واحده جدید، آیا طفل حاصل از مادر ایرانی حقوق جدیدی یافته است؟ یا این که با وضع ماده واحده جدید، وضعیت طفل مذکور بفرنج تر گردیده است.

به عبارت دیگر باید مطالعه شود که آیا با وضع ماده واحده جدید، دامنه بندهای ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ به نفع طفل حاصل از نکاح مادر ایرانی با مرد خارجی افزایش یافته یا این که نه تنها وضعیت طفل مزبور بهتر نشده، شاید وضع ماده واحده یاد شده به ضرر طفل مذکور نیز باشد.

برای درک بهتر مطالب فوق ناگزیریم مثال‌های ردیف ۵ تا ۸ نمودار ارائه شده قبلی را مورد بررسی قرار دهیم. با کمی دقت در نتایج ردیف‌های ۵ تا ۸ نمودار فوق، معین می‌گردد که اطفال حاصل از مادر ایرانی در ایران، قبل از وضع ماده واحده یاد شده در هر صورت یا

دارای تابعیت قطعی تولدی ایران (بند ۴ ماده ۹۷۶) بوده یا این که از تابعیت متزلزل ایرانی (بند ۵ ماده ۹۷۶) بهره‌مند خواهند شد و در هر صورت اگر طفل مزبور ایرانی نمی‌گردد، ایرانی نشدن وی یقیناً به علت عدم اقامت وی از سن ۱۸ تا ۱۹ سالگی تمام در ایران است.^{۱۷}

اگر مجلس شورای اسلامی، طرح پیشنهادی نمایندگان را به همان صورت اولیه تصویب می‌نمود، در آن صورت بند ۴ ماده ۹۷۶ فعلی موضوعاً مستفی می‌گردید، زیرا طرح پیشنهادی نمایندگان حق تابعیت تولدی ایران را برای اطفال متولد در ایران حاصل از نکاح والدین خارجی که یکی از آنها در ایران به دنیا آمده باشند، کلاً مردود دانسته و مطابق پیشنهاد نمایندگان ارائه کننده طرح، بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی بشرح زیر اصلاح می‌شد:

« افرادی که در ایران از پدر و مادر خارجی متولد شده و تا پایان سن ۱۸ سال تمام با پروانه اقامت معتبر در ایران مقیم بوده و بلافاصله پس از آن حداقل یکسال دیگر در ایران اقامت کرده باشند و قبل از رسیدن به سن ۲۰ سال تمام اقدام به اخذ شناسنامه نمایند و الا قبول شدن آنها به تابعیت ایران، بر طبق مقررات مربوط به تحصیل تابعیت است. » که در صورت مقابله آن با بند ۵ ماده ۹۷۶ واقعی، معین می‌گردد که پیشنهاد یا طرح یاد شده فقط نقطه ضعف اصلی بند ۵ ماده ۹۷۶ (تابعیت تولدی یا تابعیت غیر تولدی بودن طفل موضوع بند ۵ ماده مرقوم از لحظه تولد تا سن ۱۸ سالگی تمام) را مرتفع نموده است. چون اصلاح بندهای ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ و همچنین بند ۶ ماده ۹۷۶ (که انصراف موضوعی از این مقاله دارد) در مجلس شورای اسلامی رای نیاورد و فقط قانون ماده واحده مرقوم (تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی) به ماده ۹۷۶ اضافه شده است. بنابراین نمی‌توانیم بگوئیم که قانون ماده واحده مرقوم، بندهای ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی را صریحاً یا ضمناً نسخ نموده است. زیرا طرح پیشنهادی نمایندگان، حذف بندهای ۴ و ۵ و ۶ ماده ۹۷۶ قانون مدنی و الحاق یک تبصره به آن ماده بوده است و چون حذف بندهای ۴ و ۵ و ۶ ماده مرقوم به تصویب نرسیده، بنابراین و به حکم عقل

عمل قانونگذار نشان از بقای آنها دارد و فقط اقدام قانونگذار، بر الحاق یک تبصره (به عنوان قانون ماده واحده) به ماده ۹۷۶ قانون مدنی قابل تفسیر خواهد بود (هر چند با توجه به مطالب آتی الذکر معلوم نیست که آیا این ماده واحده، الحاق یک تبصره به ماده ۹۷۶ قانون مدنی است یا این که تبصره مزبور به ماده ۹۷۹ قانون مدنی الحاق می‌گردد) لذا نسخ ضمنی یا صریح بندهای فوق، موضوعاً منتفی می‌باشد.

سوالی که با روشن شدن موضوع فوق، قابل طرح است، این است که طفل حاصل از مادر ایرانی (در صورت نکاح با مرد خارجی) مشمول کدامیک از موارد بند ۴ ماده ۹۷۶، بند ۵ ماده ۹۷۶ یا قانون ماده واحده مرقوم است؟ در ساده ترین تفسیر می‌توان عنوان داشت که هر گاه زن ایرانی با رعایت مادتهای ۱۰۵۹ و ۱۰۶۰ قانون مدنی با مرد خارجی ازدواج نماید، در صورت تحمیل تابعیت شوهر بر وی و در صورت تولد طفل مشترک وی در ایران و همچنین تولد زوجه ایرانی یا مرد خارجی در ایران، به یقین با بقاء بند ۴ ماده ۹۷۶، طفل مذکور تابعیت قطعی تولدی ایران را خواهد داشت (حالات فوقانی، ردیف‌های ۶، ۷ و ۸ و نمودار فوق الذکر).

در سایر موارد (هر دو مورد ردیف ۵ و موارد تحتانی ردیف‌های ۶، ۷ و ۸ نمودار فوق) معلوم نیست که آیا طفل یاد شده مشمول بند ۵ ماده ۹۷۶ است یا این که نامبرده از مصادیق قانون ماده واحده می‌باشد؟

بدین ترتیب متوجه می‌شویم که با قانونگذاری جدید، در موضوعی واحد، احکام متفاوت وجود دارد. برای پاسخ بهتر به این سوال، ناگزیر از تفاوت حکم بند ۵ ماده ۹۷۶ و محتوای قانون ماده واحده مرقوم می‌باشیم.

۱) تفاوت بند ۵ ماده ۹۷۶ با قانون ماده واحده جدید:

اکثر حقوقدانان ایرانی، بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران را نوعی تابعیت تولدی (مترزلزل) می‌دانند.^{۱۸} و قدان منفرد ایرانی، آقای دکتر محمود سلجوقی، بند ۵ ماده مرقوم را نوعی تابعیت اکتسابی می‌دانند.^{۱۹} دقت در بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران که بیان

می‌دارد: «کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است موجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به سن ۱۸ تمام لااقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند و الا قبول شدن آنها به تابعیت ایران، بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است.» موید نظریه اکثریت حقوقدانان ایرانی است.

به عبارت دیگر، قسمت اول بند ۵ ماده مرقوم در بیان نوعی امتیاز به واسطه تولد در ایران برای اطفال حاصل از پدر خارجی در ایران است که قانونگذار برای سایر اطفال حاصل از پدر خارجی که در دنیا نیامده‌اند، قائل نشده است و این معنا کاملاً از تولدی بودن تابعیت طفل مزبور حکایت دارد. قنینه دوم بند ۵ ماده مرقوم، در صورت عدم محقق شدن شرایط قسمت اول برای طفل متولد در ایران، حاصل از پدر خارجی حقی قائل نشده و تنها راه ورود طفل یادشده به تابعیت ایران را تقاضای تابعیت ایران (تابعیت تحصیلی) دانسته است.

بنابراین هر گاه طفل مزبور یک سال در ایران اقامت داشته باشد (بین ۱۸ سال تمام تا ۱۹ سالگی) تابعیت متزلزل وی، بدون هر گونه شرط دیگر تبدیل به تابعیت قطعی ایران خواهد شد^{۱۱} به عبارت دیگر برای این که فردی مشمول بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران گردد، کافی است پدرش خارجی بوده، طفل در ایران به دنیا آمده و پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام یک سال دیگر در ایران اقامت نماید.

با عنایت به موارد فوق متوجه می‌شویم که ماهیت بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران، تابعیت تولدی است. حال آن که ماهیت تابعیت موضوع قانون ماده واحده، تابعیت اکتسابی (تقاضای تابعیت ایران!) می‌باشد. به عبارت دیگر، برای فرزندان متولد از مادر ایرانی در ایران، با رعایت ماده واحده جدید، صرفاً حق تقاضای تابعیت ایران به رسمیت شناخته شده است. (نه تابعیت مبداء یا تابعیت نسبی و یا حتی تابعیت ارضی) که این موضوع تفاوت بسیار آشکاری با تابعیت تولدی دارد.

باید توجه داشت، گرچه مشمولین قانون ماده واحده مرقوم، به شرح زیر مختلف

می‌باشند:

- ۱- فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی که در ایران متولد شده یا حداکثر تا یک سال پس از تصویب این قانون در ایران متولد می‌شود. (متن ماده واحده)
- ۲- سن مشمولین این ماده واحده در زمان تصویب بیش از ۱۸ سال تمام نباشد. (تبصره یک ماده واحده)

- ۳- فرزندان متولد شده در ایران حاصل از ازدواج زن ایرانی و مرد خارجی که ازدواج والدین آنها از ابتدا با رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی به ثبت رسیده باشد به دنیا آیند (تبصره ۲ ماده ماده واحده)

لیکن در اعمال حکم این ماده واحده (تخصیص یا تقاضای تابعیت ایران پس از احراز عدم سوء پیشینه کیفری و امنیتی و اعلام رد تابعیت غیر ایرانی) با یکدیگر برابر می‌باشند. به دیگر سخن، افراد مشمول بند ۵ ماده ۹۷۶ بدون وجود یا عدم وجود سوء پیشینه کیفری یا امنیتی و نیز بدون اعلام رد تابعیت غیر ایرانی خود (در صورت وجود) می‌توانند به صرف وجود سه شرط مذکور (تولد در ایران، پدر خارجی، اقامت در ایران بین ستین ۱۸ تا ۱۹ سال تمام) تابعیت ایران یا حتی به نظر اقلیت حقوقدانان ایرانی، تابعیت اکتسابی ایران را دارا گردند، حال آنکه افراد مشمول ماده واحده: اولاً دارای تابعیت تحصیلی می‌باشند (نه تابعیت تولد).

ثانیاً: تقاضای تحصیل تابعیت ایران توسط نامبردگان منوط به فقدان سوء پیشینه کیفری و امنیتی^{۳۳} و اعلام رد تابعیت غیر ایرانی آنها می‌باشد که این شرایط به هیچ وجه، حتی در فرض اکتسابی بین ماهیت بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی وجود ندارد.

بنابراین معلوم نیست اطفال مسدوق ردیف ۵ نمودار (فرزندان متولد شده در ایران حاصل از نکاح مادر ایران و پدر خارجی که هیچ کدام در ایران به دنیا نیامده‌اند اعم از این که تابعیت خارجی برزگی تحصیل کرده یا نکرده) و اطفال موضوع موارد تحتانی ردیف‌های ۶، ۷ و ۸ نمودار (فرزندان متولد در ایران ناشی از نکاح زن ایرانی با مرد غیر

ایرانی که یکی از آنها یا هر دو در ایران به دنیا آمده باشند و تابعیت شوهر در اثر عقد ازدواج بر زن ایرانی تحمیل نگردد) آیا مشمول بند ۵ ماده ۹۷۶ می‌باشند یا این که این دسته از اطفال از مصادیق قانون ماده واحده مرقوم می‌باشند؟ چون بند ۵ ماده ۹۷۶ حذف نگردیده است، بنابراین بر موضوعات واحد (کلیه مصادیق ردیف ۵ و موارد تحتانی ردیف‌های ۶، ۷ و ۸ نمودار قبلی) امکان حکومت قواعد و مقررات متفاوت وجود دارد که ایجاد چنین وضعیتی از شان قانونگذاری کاملاً به دور می‌باشد.

۲) علت و ضرورت و هویدی وضع ماده واحده:

مطابق اعلامیه طراحان طرح پیشنهادی قانون ماده واحده به رئیس مجلس شورای اسلامی، دو علت زیر:

- ۱) مهاجرت اتباع بیگانه و ایجاد زمینه ازدواج آنها با زنان ایرانی و تولد فرزندان مشترک در ایران که به لحاظ بی هویتی و معیشتی بلا تکلیف می‌باشند.
- ۲) وجود پاره ای از اینها مابین ماده ۹۷۶ قانون مدنی، ادعای و انگیزه مهم طراحان برای ارائه طرح پیشنهادی خود بوده است.^{۳۳} و مطابق اعلام منجز کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس، تعداد افراد یاد شده (متولدین از نکاح مادر ایرانی با پدر خارجی) حدود ۱۲۰ هزار نفر می‌باشد.^{۳۴}

بنابراین اگر هدف قانونگذار صرفاً تعیین تکلیف تابعیت این افراد باشد، می‌توانسته با استعمال الفاظ دقیق، افراد موضوع این قانون را محصور نماید و اگر هدف قانونگذار، اعطای تابعیت ایران (اعم از تابعیت نسبی، ارضی یا تحصیل تابعیت) از طریق مادر ایرانی بوده در این صورت جملات به کار رفته در متن ماده واحده، هدف قانونگذار را تامین نمی‌نماید. چون علی‌رغم متن ماده واحده و تبصره یک آن که ناظر بر تعیین تکلیف حالات بوجود آمده قبلی و نهایتاً فرزندان حاصل از مادران ایرانی تا یک سال پس از وضع قانون ماده واحده می‌باشد حال آن که مطابق تبصره ۲ قانون ماده واحده مرقوم: از تاریخ تصویب این قانون کسانی که در اثر ازدواج زن ایرانی و مرد خارجی در ایران متولد شوند و

ازدواج والدین آنان از ابتدا با رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی به ثبت رسیده باشد پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام و حداکثر ظرف مدت یکسال بدون رعایت شرط سکونت مندرج در ماده ۹۷۶ قانون مدنی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند. بعد از تصویب این قانون تا زمان نامعین افرادی وجود خواهند داشت که مشمول تبصره ۲ ماده واحده قرار گیرند.

بنابراین به عنوان مثال هر گاه فرض کنیم در سال ۱۳۹۰ (۵ سال بعد از وضع قانون ماده واحده) زن ایرانی با مرد خارجی ازدواج نموده و در سال ۱۳۹۳ فرزندش در ایران به دنیا آورد، با توجه به قواعد موجود (بند ۴ ماده ۹۷۶، بند ۵ ماده ۹۷۶ و تبصره ۲ ماده واحده) وضعیت تابعیت طفل مبهم خواهد شد.

در صورتی که نامبرده طبق ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی، اجازه دولت ایران را تحصیل کرده یا نکرده باشد، وضعیت طفل وی که در ایران به دنیا آمده باشد متفاوت است. (زیرا در فرضی که تحصیل اجازه نکرده باشد، طفل مشمول تبصره ۲ ماده واحده قرار نخواهد گرفت، لیکن اگر مادر طفل اجازه دولت ایران را تحصیل کرده باشد، طفل مزبور مشمول تبصره ۲ ماده واحده بوده و می‌تواند مطابق ماده واحده تقاضای تابعیت ایران را بنماید) از طرفی با اعتقاد به بقای بندهای ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، با توجه به تحمیل یا عدم تحمیل تابعیت شوهر بر زن ایرانی، وضعیت اطفال متولد در ایران حاصل از نکاح زن و مرد مزبور، حسب مورد مشمول بند ۴ یا بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران بوده و به ترتیب تابعیت اطفال، تابعیت تولدی قطعی یا تابعیت تولدی متزلزل ایران خواهد بود.

بنابراین همان‌گونه که مشاهده می‌گردد، در موضوعی واحد (متولد طفل مشترک در ایران حاصل از نکاح زن ایرانی با مرد خارجی) مقررات مختلفی وجود دارد که احکام هر یک از آنان متفاوت می‌باشد.

نتیجه گیری:

ضرورت تجدید نظر در ماده واحده مرقوم امری قطعی، محتوم و غیر قابل انکار است

به همین دلیل برای برون رفت از وضعیت موجود دو راه حل پیشنهاد می‌گردد:

۱- محصور کردن قانون ماده واحده به اطلاق که قبل وضع قانون ماده واحده، از نکاح زنان ایرانی با مردان خارجی در ایران به دنیا آمده اند بدون این که دولت ایران با نکاح زن ایرانی موافقت نموده یا ننموده باشد و توسعه قانون ماده واحده مزبور حداکثر تا یک سال پس از وضع ماده واحده، به جهت احتمال وجود زنان ایرانی حامله (حاصل از نکاح غیر مجاز با اتباع خارجی) و رعایت غایت احتیاط.

بنابراین، با توجه به راه حل فوق سریعاً باید تبصره ۲ ماده واحده (که حدود قانون را به آینده‌ای بسیار دور نیز گسترش می‌دهد) حذف گردد. در این حالت چون هدف از وضع ماده واحده، تعیین تکلیف وضعیت حالات معین و خادنی می‌باشد، لذا بقاء بندهای ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی بلا اشکال خواهد بود.

۲- با توجه به کنوانسیون رفع تبعیض از زنان، ماده واحده مرقوم حذف و اعطای تابعیت تولدی براساس سیستم خون (تابعیت نسبی) به واسطه مادر ایرانی آن هم به صورت مشروط، ضمن اصلاح بندهای ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی. در این خصوص پیشنهاد می‌گردد که طرح یا لایحه ماده واحده اصلاح بندهای ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ و الحاق یک تبصره به ماده ۹۷۶ یا ۹۷۹ قانون مدنی به شرح زیر تقدیم مجلس شورای اسلامی گردد.

ماده ۹۷۶: اشخاص زیر تبعه ایران محسوب می‌گردند:

بند ۴ اصلاحی: فرزندان متولد از مادران ایرانی در ایران (که مطابق مقررات با اتباع خارجی ازدواج نموده باشند) اعم از این که تابعیت خارجی بر اثر عقد ازدواج به زن تحمیل شود یا نشود.

بند ۵ اصلاحی: افرادی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنان در ایران متولد شده، به دنیا آمده و پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام حداقل یک سال دیگر در ایران اقامت نمایند والا قبول شدن آنها به تابعیت ایران بر طبق مقررات مربوط به تحصیل تابعیت خواهد بود.

تبصره الحاقی: به منظور حل مشکل تابعیت فرزندان حاصل از نکاح زنان ایرانی و مردان خارجی که تا تصویب این قانون مطابق گواهی مراجع صلاحیتدار در ایران متولد شده‌اند در صورتی که سن اطفال مزبور کمتر از ۱۸ سال باشد می‌تواند پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام تقاضای تابعیت ایران را بنماید در صورت فقدان سابقه کیفری و اعلام رد تابعیت ایرانی (در صورت وجود) به این افراد تابعیت ایرانی اعطا خواهد شد و در صورتی که سن افراد مذکور بیش از ۱۸ سال تمام باشد، حداکثر مدت تقاضای آنها یکسال خواهد بود.

پاورقی و منابع:

- (۱) - لرفع نیا (بهشید)، حقوق بین الملل خصوصی جلد اول، انتشارات بهتاب سال چاپ ۱۳۸۲ ص ۷۶ - سلجوقی (محمد)، حقوق بین الملل خصوصی جلد اول، انتشارات دادگستر، ۱۳۷۷، چاپ دوم، ص ۱۸۹
 - (۲) - لایحه استفساریه بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، اداره کل قوانین مجلس شورای اسلامی دوره هفتم سال اول تاریخ چاپ ۱۳۸۳/۴/۱۴ شماره چاپ ۱۵۶ شماره ثبت ۱۲۳
 - (۳) - در متن نامه ۱۸ نفر از نمایندگان مجلس (محمد دهقان، موسی قربانی، حاجی بابایی، نفیسه فیاض بخش، ناله افتخاری، اخوان بیطرف، حسین فدایی، سید کاظم دلخوش، سید قباد مرتضوی، پرویز سروری، علی عسگری، عشرت شایق، فاطمه رهبر، هاجر تحریری نیک صفت، حمید بهرامی احمدی، حسین سبحانی نیا، سید فضل اله موسوی و محمد حسین قرهنگی) خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی آمده است: با توجه به این که در طول سالهای گذشته، شرایط خاص زمانی و مهاجرت اتباع کشورهای بیگانه به کشور، زمینه ازدواج مردان خارجی با زنان ایرانی و تولد فرزندان در ایران را فراهم نموده است که در حال حاضر این فرزندان به لحاظ هویتی بلاتکلیف بوده و از لحاظ معیشتی خود و مادرانشان دارای مشکلاتی می‌باشند و نظر به این که برخی اتهامات در ماده ۹۷۶ قانون مدنی، منجر به برداشت‌های متفاوت از آن گردیده است و از آنجا که حل این مشکل نباید منجر به اختلال در نظم مواد قانون مدنی در مورد تابعیت گردد، لذا طرح زیر با قید یک فوریت تقدیم مجلس شورای اسلامی می‌گردد.
 - (۴) - تصویب یک فوریتی طرح اصلاح بندهای ۴، ۵ و ۶ ماده ۹۷۶ قانون مدنی و الحاق یک تبصره به آن، اداره کل قوانین مجلس شورای دوره هفتم، سال سوم تاریخ چاپ ۱۳۸۵/۲/۱۰ شماره چاپ ۱۳۴۸ شماره ثبت ۵۵۰ و متن آن به شرح زیر است:
- ماده واحده - بندهای ۴ و ۵ و ۶ ماده ۹۷۶ قانون مدنی به شرح ذیل اصلاح و یک تبصره به عنوان تبصره ۲ به این ماده الحاق می‌شود.
- ۴ - کسانی که در ایران از مادر ایرانی و پدر خارجی متولد شده‌اند مشروط بر این که پدر آنان دارای

پروانه اقامت معتبر بوده و ازدواج آنان بر طبق ماده ۱۰۶۰ این قانون به ثبت رسیده باشد
 ۵- افرادی که در ایران از پدر و مادر خارجی متولد شده و تا پایان سن ۱۸ سال تمام با پروانه اقامت
 معتبر در ایران مقیم بوده و بلافاصله پس از آن حداقل یک سال دیگر هم در ایران اقامت کرده باشند و
 قبل از رسیدن به سن ۲۰ سال تمام اقدام به اخذ شناسنامه نمایند و الا قبول شدن آنها به تابعیت ایران بر
 طبق مقررات مربوط به تحصیل تابعیت است.

۶- هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند مشروط بر این که از لو صاحب فرزند شود و یا دو
 سال از تاریخ ازدواج وی گذشته باشد.

تبصره - فرزندان حاصل از ازدواج مادران ایرانی و پدران خارجی که از تاریخ ۵۸/۱/۱ تا تاریخ تصویب
 این قانون در ایران متولد شده‌اند پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام با اعلام رد تابعیت غیر ایرانی می
 تقاضای تابعیت ایرانی محسوب می‌شوند.

افراد مذکور قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال نیز از کلیه امکانات معیشتی، آموزش و تربیتی، بهداشتی و
 درمانی و بیمه خدمات درمانی برخوردار می‌باشند.

(۵) - متن اظهار نظر کارشناسی آقای دکتر پیچاد علی الماشی:

۱- طرح حاضر به منظور حل مشکل فزاینده فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی یا مردان غیر ایرانی
 از طریق اصلاح ماده ۹۶۴ و بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی اندیشیده شده است. ازدواج‌های متعدد و کنترل
 نشده بین زنان ایرانی و اتباع سایر کشورهای اسلامی به ویژه افغانستان و عراق مشکلات عدیده ای به
 وجود آورده که از جمله آنها غیر ایرانی شناخته شدن فرزندان متولد شده از این ازدواج ها است.

۲- علت عمده غیر ایرانی شناخته شدن فرزندان متولد از ازدواج‌های مذکور آن است که در سیستم
 تابعیت اصلی یا تولدی که مبتنی بر سیستم خون، یعنی تعیین تابعیت بر مبنای نسب و سیستم خاک،
 یعنی اعطای تابعیت بر اساس محل تولد است سیستم خون که قاعده اصلی در قانون تابعیت ایران است
 (بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی) فقط از طریق نسب پدری پذیرفته شده است.

۳- بی تردید قانون تابعیت ایران (مواد ۹۷۶ تا ۹۹۱ قانون مدنی) که بیش از ۷۰ سال پیش تصویب
 شده است نیاز به اصلاح دارد و با اوضاع و احوال کنونی جامعه ما و نقشی که زنان در عرصه‌های اجتماعی
 و حقوقی پیدا کرده اند مطابقت ندارد. تصویب کنوانسیون‌های بین المللی در خصوص رفع تبعیض از زنان
 و جایگاهی که کشور ما در عرصه بین المللی پیدا کرده است لزوم تغییرات اساسی در قانون تابعیت ایران
 را محسوس کرده است. امروزه اکثر کشورهای جهان به ویژه کشورهای پیشرفته بین پدر و مادر از لحاظ
 اعطای تابعیت نسبی به فرزند وجود ندارد چنان که مثلاً فرانسه از ۱۹۷۳ به بعد در قانون تابعیت هر گونه
 تفاوتی میان پدر و مادر را از بین برده و طفلی که از پدر یا مادر فرانسوی متولد شده باشد فرانسوی
 شناخته می‌شود.

در کشور ما نیز لزوم قبول تابعیت نسبی از طریق نسب مادری از مدت‌ها پیش احساس گردیده و یکی
 از گامهایی که برای تبعیض از زنان ایرانی و احقاق حقوق حقه ایشان باید برداشته شود قبول سیستم خون
 از طریق نسب مادری است. این امر از مشکلات عدیده ای مانند نداشتن شناسنامه، محرومیت از تحصیل،

قیمومت مادر در موردی که پدر چنین اطفالی فوت شده باشند) که برای فرزندان متولد از مادر ایرانی و پدر خارجی و غیر ایرانی شناخته شدن آنان به وجود می‌آید تا حدود زیادی جلوگیری خواهد کرد ایراد مربوط به وجود آمدن تابعیت مضاعف در صورت اعطای تابعیت ایرانی از طریق نسب مادری قابل قبول نیست. همه در موردی هم که طفل از پدر ایرانی و مادر خارجی مثلاً مادر فرانسوی متولد گردد، تابعیت مضاعف پیدا می‌کند بنابراین وضع موجود توجیه کننده جلوگیری از پدیده تابعیت مضاعف نیست.

۶. لیکن باید توجه داشت که قبول بی قید و شرط تابعیت ناشی از سیستم خون یا نسب مادری آن گونه که در کشورهای اروپایی مثلاً فرانسه پیش بینی گردیده است در قانون ما باید با تامل و دوراندیشی بیش تری صورت پذیرد چرا که در آن کشورها هم ریاست شوهر بر خانواده حذف گردیده و هم تفاوت میان نسب مشروع و نامشروع از میان برداشته شده است. از این رو بهتر است ضمن قبول سیستم خون از طریق نسب مادری که بی تردید باید نسب مادری در قانون ما لحاظ گردد از راه حال‌های بسیار موسع و سهل گیرانه پرهیز شود تا میان مواد اصلاحی و سایر مواد قانون مدنی در مورد روابط پدر و مادر و فرزندان و تعارض به وجود نیاید.

۷. به نظر می‌رسد که باید فرق گذاشت میان موردی که طفل از مادر ایرانی در ایران متولد می‌شود و موردی که طفل متولد از مادر ایرانی و پدر خارجی در خارج به دنیا می‌آید. همچنین لازم است تفاوت گذاشته شود بین موردی که مادر ایرانی حاصل است با موردی که مادر تابعیت ایرانی اکتسابی دارد. مثلاً در موردی که طفل از مادر ایرانی در خارج متولد شده باشد دست کم اقامت چند ساله فرزند در ایران لازم باشد یا در موردی که طفل از مادر ایرانی که تابعیت اکتسابی دارد متولد گردیده در زمان رسیدن به سن رشد قانونی یعنی سن هجده سالگی مثلاً ظرف یک سال (شبهه آنچه که در ماده (۹۷۷) قانون مدنی پیش بینی شده است) حق اعراض از تابعیت ایران و ترجیح تابعیت پدر خارجی را داشته باشد تا هم پدیده تابعیت مضاعف مرتفع شود و هم به درجات مختلف علاقه‌هایی که پدر، مادر و فرزند با ایران و فرهنگ ایرانی دارند توجه لازم به عمل آید.

در ضمن پیشنهاد می‌گردد که در طرح اصطلاحی به جای عبارت «روابط بین اسیون و اولاد» عبارت «روابط بین پدر و مادر و فرزندان» بکار رود.

اظهار نظر کارشناسی درباره طرح «اصلاح موادی از قانون مدنی» معاونت پژوهشی مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات حقوقی دوره هفتم، سال اول ۸۴-۱۳۸۳ تاریخ چاپ ۱۳۸۴/۲/۳۱ شماره ترتیب چاپ ۸۷۲ شماره دفتر ثبت ۳۹۴

۶- نامه شماره ۵۵۰/۱۰۹۵۷۱ مورخ ۱۳۸۵/۰۷/۱۵ دفتر رئیس مجلس شورای اسلامی و متن قانون ماده واحده فوق بشرح زیر است:

ماده واحده: فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی که در ایران متولد شده یا حداکثر تا یک سال پس از تصویب این قانون در ایران متولد می‌شوند، می‌توانند بعد از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام تقاضای تابعیت ایرانی نمایند. این افراد در صورت نداشتن سوء پیشینه کیفری یا امنیتی و اعلام رد تابعیت غیر ایرانی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند.

وزارت کشور نسبت به احراز ولادت طفل در ایران و صدور پروانه ازدواج موضوع ماده ۱۰۶۰ قانون

مدنی اقدام می‌نماید و نیروی انتظامی نیز با اعلام وزارت کشور پروانه اقامت برای پدر خارجی مذکور در این ماده صادر می‌کند. فرزندان موضوع این ماده قبل از تحصیل تابعیت نیز مجاز به اقامت در ایران می‌باشند.

تبصره ۱ - چنانچه سن مشمولین این ماده در زمان تصویب بیش از هجده سال تمام باشد باید حداکثر ظرف یک سال اقدام به تقاضای تابعیت ایرانی نمایند.

تبصره ۲ - از تاریخ تصویب این قانون کسانی که در اثر ازدواج زن ایرانی و مرد خارجی در ایران متولد شوند و ازدواج والدین آنان از ابتدا با رعایت ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی به ثبت رسیده باشد پس از رسیدن به سن هجده سال تمام و حداکثر ظرف مدت یک سال بدون رعایت شرط سکونت و پندرج در ماده (۹۲۹) قانون مدنی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند.

۷- ارفع نیا (بهشید) حقوق بین الملل خصوصی جلد اول، همان منبع ص ۷۵

۸- نظریه شماره ۲۸۰۷ مورخ ۱۳۵۳/۴/۶ اداره حقوقی دادگستری

۹- لایحه استفساریه مندرج در باورقی شماره ۲

۱۰- ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی اشعار می‌دارد: نکاح مسلمه با غیر مسلمه جائز نیست.

۲- ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی اشعار می‌دارد: ازدواج زن ایرانی یا تبعه خارجه در مواردی هم مانع قانونی ندارد، موکول به اجازه مخصوص دولت ایران است.

برای تجزیه و تحلیل دو شرط یاد شده و آثار آن مراجعه شود به:

فدوی (سلیمان) تعارض قوانین در حقوق ایران با تاکید بر احوال شخصیه، انتشارات طرح نوین

اندیشه، بهار ۱۳۸۵، ص ۲۶۵

۱۱- آقایان دکتر نجاد علی الماسی و ناصر کاتوزیان اعتقاد به عدم نفوذ نکاح بدون رعایت ماده

۱۰۶۰ قانون مدنی ایران دارند، لیکن آقایان دکتر سید حسن امامی، جعفر جعفری لنگرودی، سید حسین

صفایی، اسداله امامی و سید محمد متولی قائل به عدم بطلان نکاح در اثر عدم رعایت مقررات ماده ۱۰۶۰

قانون مدنی می‌باشند. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

کاتوزیان (ناصر) حقوق مدنی - خانواده، تهران، انتشارات بهنشر ۱۳۶۸، جلد اول، ص ۱۳۰

کاتوزیان (ناصر) دوره مقدماتی حقوق مدنی (خانواده)، نشر میزان، چاپ سوم، سال ۱۳۸۱، ص

۱۰۶

الماسی (نجاد علی) تعارض قوانین، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۸، ص ۱۷۴ زیرنویس شماره

زیرنویس شماره ۱

متولی (سید محمد) احوال شخصیه بیگانگان در ایران، انتشارات ساز و کار، چاپ اول ۱۳۷۸ ص ۱۶۲ و ۱۶۳
ضمناً نظرات آقایان دکتر سید حسن امامی، سید اسداله امامی در سید حسین صفایی نیز به نقل از آقای دکتر سید محمد متولی بیان شده است.
محقق داماد (سید مصطفی) بررسی فقهی حقوق خانواده: نشر علوم اسلامی، تهران، ۱۳۶۷ ص ۱۶۰

جعفری لنگرودی (جعفر) محشای قانون مدنی: انتشارات گنج دانش، تهران سال ۱۳۳۹، ص ۵۴۷
ذیل تفسیر ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی

۱۲- ماده ۹۸۷ قانون مدنی اشعار می‌دارد: "زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاجت می‌نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر این که مطابق قانون مملکت زوج تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود، ولی در هر صورت، بقایا از وفات شوهر و یا تفریق، به صرف تقدیم درخواست به وزارت امور خارجه به انضمام ورقه تصدیق فوت شوهر و یا سند تفریق، تابعیت اصلیه زن با جمیع حقوق و امتیازات راجعه به آن مجدداً به او تعلق خواهد گرفت."
۱۳- بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی اشعار می‌دارد: "کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است به وجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به سن هجده سال تمام لااقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند و الا قبول شدن آنها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است."

۱۴- اگر قائل به سلب تابعیت ایرانی زن یاد شده باشیم در آن صورت اعاده به تابعیت ایران با جمیع حقوق در هنگام فوت شوهر یا تفریق، به صرف تقدیم دادخواست به وزارت امور خارجه توسط زن ایرانی (که در اثر ازدواج خارجی شده) بی معنا خواهد بود.

۱۵- در صورتی که به نظریه کارشناسی آقای دکتر الماسی تقدیمی به کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس شورای اسلامی (دفتر پژوهش مجلس) دقت شود (بند ۳ نظریه) اعتقاد ایشان به لزوم قبول تابعیت نسبی از طریق نسب مادری آنهم بمنظور رفع تبعیض از زنان ایرانی و احقاق حقوق حقه آنان می‌باشد.
برای مطالعه بیشتر رجوع شود به پاورقی شماره ۵

۱۶- دکتر حقوقدانان ایرانی قائل به ماهیت تابعیت تولدی مفاد بند ۵ ماده ۹۷۶ می‌باشند و آن را شکلی از تابعیت مبداء می‌دانند لیکن تنها حقوقدانان ایرانی که اعتقاد دارد ماهیت حقوقی بند ۵ ماده

۹۷۶، تابعیت غیر تولدی (شکلی از تابعیت اکتسابی یا تحصیلی) است. آقای دکتر سلجوقی می‌باشد.

بررسی مطالعه بیشتر رجوع شود به:

الف - ارفع نیا (بهشید)، حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول همان منبع ص ۷۹

ب - سلجوقی (محمد) حقوق بین الملل خصوصی جلد اول، همان منبع ص ۱۹۵

۱۷- زیرا در بند ۵ ماده ۹۷۶ عنوان شده، طفل مزبور باید بلافاصله پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام لااقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشد، به همین جهت اگر طفل یاد شده که اینک به سن ۱۸ سال تمام رسیده نخواهد در ایران اقامت نماید، به لحاظ عدم تکمیل شرط نهایی نامبرده تبعه ایران شناخته نمی‌شود. ضمناً در تمامی مولود فوتی دولت ایران در پاره ای از مواقع، شرط اعمال بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی را اجازه دولت ایران برای ازدواج زین اثراتی، با مرد خارجی قلمداد نموده است.

۱۸ - ۱۹) - به پاورقی شماره ۱۶ مراجعه شود.

۲۰- در صورت مراجعه به ردیفهای ۴ تا ۱۶ مولود بررسی شده در متن مشاهده می‌گردد که اطفال این دسته از خارجیین تحت هیچ شرایطی ایرانی نخواهند بود زیرا هیچگونه علقه ای (نه تولد در ایران و به ویژه در ردیفهای ۴ تا ۱۶ به واسطه عدم تابعیت ایرانی والدین) بین طفل به دنیا آمده در خارج و جمعیت ایران وجود ندارد. به همین جهت طفل مذکور که لحظه تولد به هیچ عنوان ایرانی نمی‌باشد.

۲۱) - بعضی از حقوقدانان در خصوص اقامت طفل متولد شده در ایران حاصل از پدر خارجی، قبل از ۱۸ سالگی قائل به عدم ضرورت به اقامت وی در ایران قبل از ۱۸ سالگی می‌باشند، زیرا اقامت وی به لحاظ تبعی بودن فاقد ارزش است. در نتیجه تابعیت منزلت ایرانی مولود فقط در صورت اقامت وی از ۱۸ سال تمام بمدت یک سال تبدیل به تابعیت قطعی و استقراری ایران خواهد شد حال آن که تعداد قلیلی از حقوقدانان اعتقاد به اقامت حداقل ۴ سال قبل از رسیدن به سن ۱۸ سالگی مولود در ایران دارند چون بند ۵ ماده ۹۷۶ را شکلی از تابعیت تولدی نمی‌دانند بلکه آن را نوعاً تابعیت تحصیلی (اکتسابی) می‌دانند. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به پاورقی شماره ۱۶.

۲۲- سوء پیشینه امنیتی، اصطلاح نامانوسی است که برای اولین بار در نظام حقوقی ایران مورد استفاده قرار گرفته و تا کنون سابقه ای از آن بدست نیامده است (بر عکس، سوء پیشینه کیفری که اصطلاح بسیار شایعی است، اصطلاح مزبور نه تنها در ایران بلکه در خارج از ایران نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد) همچنان که یکی از نمایندگان مخالف (آقای حسن سبحانی) در ایراد به اصطلاح سوء پیشینه امنیتی در مشروح مذاکرات مجلس این گونه بیان نموده است: "قاعدتا باید قانون از واژه ها و الفاظ غیر قابل تفسیر و روشنی برخوردار باشد تا در اجرا با مشکل مواجه نگردد" برای مطالعه بیشتر رجوع شود به

مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی (جلسه ۲۵۵) مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۷۹۲۳ مورخ ۱۳۸۵/۷/۲ صفحه ۲۲

۲۳- طرح یک فوریتی اصلاح بندهای ۴، ۵ و ۶ ماده ۹۷۶ قانون مدنی و الحاق یک بند به آن
متن توجیهی مندرج در پاورقی شماره ۳

۲۴- متن سخنان آقای حسن سلیمانی (مخبر کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس) در مشروح مذاکرات مجلس مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۷۹۲۳ مورخ ۱۳۸۵/۷/۲ صفحه ۱۲

۲۵- پذیرش سیستم تابعیت نسبی (سیستم خون) در اعطای تابعیت تولدی از طریق زن، در تمداد کثیری از کشورها از جمله "هلند، فرانسه، بلژیک، اسپانیا، ایتالیا، ترکیه" مورد پذیرش واقع شده است:

الف - مطابق بند ۱ ماده ۲ قانون تابعیت هلند، "طغلی که در زمان تولد پدر یا مادرش تابعیت هلندی داشته اند تبعه هلند محسوب می شود همچنین طغلی که پدر وی تابعیت هلندی داشته و قبل از تولد طفل فوت کرده باشد" مرجع: بررسی وضعیت قوانین تابعیت کشورهای مختلف جهان، جلد دوم، بهار ۱۳۷۹، اداره تابعیت و امور پناهندگان وزارت خارجه، ص ۸۵

ب - مطابق بند ۱۸ قانون تابعیت فرانسه، "طفل مشروع و یا طبیعی که حداقل یکی از والدین وی فرانسوی باشد، از ابتدا تبعه فرانسه شناخته می شود" مرجع: همان منبع ص ۱۹۹

ج - مطابق قسمت اول، بند یک ماده ۸ قانون تابعیت بلژیک: فرزندان متولد از یک بلژیکی در بلژیک تبعه کشور بلژیک محسوب می گردد. مرجع: همان منبع ص ۱۴۳

د - مطابق بند اول ماده ۱۷ قانون تابعیت اسپانیا، "فرزندانی که پدر و مادر آنها اسپانیولی باشند، اسپانیولی الاصل تلقی می گردند. مرجع: همان منبع ص ۲۱۷

ه - مطابق بند ۱ ماده ۱ قانون تابعیت ایتالیایی، شهروندی به دلیل تولد ناشی از فرزند پدر و مادری که تبعه هستند ایجاد می گردد. مرجع: همان منبع ص ۱۴

و - مطابق ماده ۱ (اصلاحی ۱۳/۱۰/۱۹۸۱) قانون تابعیت ترکیه، کودکانی که از پدر و یا مادر ترک در محدوده مرزهای ترکیه و یا خارج از کشور متولد شوند، از بدو تولد تبعه ترکیه خواهند بود.

مرجع: بررسی وضعیت قوانین تابعیتی کشورهای مختلف جهان، جلد سوم بهار ۱۳۷۹، اداره تابعیت و امور پناهندگان وزارت خارجه، ص ۱۹.